

## نقش عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و گسترش مناطق حاشیه‌نشین (مطالعه موردي: سکونتگاه‌های غيررسمی شهر رشت)\*

نگار هوشنگی\*\*\*، حسن سجادزاده\*\*\*، محمدسعید ایزدی\*\*\*\*

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۶/۱۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۸/۳۰

### چکیده

فراگیری پدیده‌ی اسکان غیررسمی در پی نابخوردباری قشر ضعیف جامعه شهری از مزایای قانونی کالبد شهر بوجود می‌آید. از این رو، با توجه به متنوع بودن دلایل حاشیه‌نشینی در شهرهای مختلف، شناخت عوامل مؤثر در پیدایش و توسعه این مناطق بیش از پیش لازم و ضروری به نظر می‌رسد. از دیاد جمعیت در رشت به عنوان یکی از کلانشهرهای مهاجرپذیر، موجبات گسترش افقی شهر به صورت ناموزون را فراهم نموده است. لذا شناخت عوامل مؤثر در شکل‌گیری این مناطق و گسترش آن جهت تأمین حقوق شهروندی و بهبود کیفیت زندگی ساکنان این مناطق، اهمیت می‌یابد. معیارهای مورد سنجش در ارتباط با این موضوع شامل مؤلفه‌های اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، کالبدی و قانونی، مدیریت شهری و زیستمحیطی است. در این راستا، این پژوهش با رویکردی توصیفی تحلیلی و شیوه‌های مورور متون، منابع و استاد تصویری در بستر مطالعات کتابخانه‌ای و روش تحقیقی موردي، سعی در بازناسی عوامل مؤثر در شکل‌گیری و گسترش چهار سکونتگاه‌های غیررسمی شهر رشت شامل مناطق پاسکیاب، نخودچر، جماران و عینک را دارد. از این رو، در بخش کمی پس از استفاده از ابزار پرسشنامه، به منظور اولویت‌بندی یافته‌های حاصل از آن، از روش عاملی اکتشافی استفاده شده است. این روش به بررسی همبستگی درونی مابین گویه‌های متعدد پژوهش می‌پردازد و در نهایت آن‌ها را در قالب عامل‌های کلی محدودتری دسته‌بندی می‌نماید. همچنین، حجم نمونه از طریق فرمول کوکران ۳۸۴ عدد محاسبه گردید. در بخش کمی پژوهش نیز، از ابزار مشاهده غیرمشارکتی، تصاویر و نقشه‌ها استفاده شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش زیرمعیارهای قومیت، میزان ارتباط ساکنین این مناطق با خویشاوندان و همسایگان خویش و فقدان عدالت اجتماعی در ارتباط با معیار اجتماعی-فرهنگی به عنوان مؤثرترین معیار در شکل‌گیری و گسترش این مناطق به شمار می‌رond. پس از آن زیرمعیارهای قیمت ارزان زمین (مسکن) و میزان اجاره بهای پایین در ارتباط با معیار اقتصادی بیشترین سهم را در شکل‌گیری این مناطق بر عهده دارند. در نهایت اجرای پروژه‌های بهسازی جهت تأمین فضاهای عمومی و قانونمند شدن ساخت و سازها در ارتباط با معیار مدیریت شهری که ناشی از سوء مدیریت یکپارچه در شهرستان رشت به شمار می‌رود، کمترین تاثیرگذاری را در شکل‌گیری و گسترش مناطق حاشیه‌نشین دارد. بر این اساس، معیارهای اجتماعی-فرهنگی با یک سوم واریانس کل به عنوان شاخصه اصلی در پیدایش و گسترش اسکان غیررسمی در مناطق ذکر شده در شهر رشت مطرح می‌شود.

### واژگان کلیدی

اسکان غیررسمی، مناطق حاشیه‌ای، مهاجرت، بدمسکنی.

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «نگار هوشنگی» با عنوان «تبیین نقش پیکره‌بندی فضایی در ارتقاء حس تعلق در سکونتگاه‌های غیررسمی (مطالعه موردی)» به راهنمایی دکتر «حسن سجادزاده» و مشاوره دکتر «محمدسعید ایزدی» در دانشگاه آزاد اسلامی واحد پروفسور حسابی تعریش است.

negar.houshangi@gmail.com

sajadzadeh@basu.ac.ir

ms.izadi@basu.ac.ir

\*\* گروه معماری، واحد پروفسور حسابی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

\*\*\* دانشیار گروه طراحی شهری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. (نویسنده مسئول)

\*\*\*\* استادیار گروه طراحی شهری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

## مقدمه

از پدیده‌های عمدۀ ناپایدار کنندۀ شهری به ویژه در کشورهای در حال توسعه، گونه‌ای شهرنشینی با مشکلات حاد موسوم به اسکان غیررسمی است که بنا بر مشاهدات جهانی گسترشی فزاینده داشته است. محققان و اندیشمندان مختلف این حوزه معتقدند نرخ گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی در کشورهای کم‌درآمد به سرعت در حال افزایش بوده و این عارضه، به دلیل افزایش تعداد افراد ساکن در این مناطق بدون شرایط استاندارد بوجود آمده است (Forbes, 2019; Guillermo & Santos, 2011; Saghaei et. al, 2019). سکونتگاه‌های غیررسمی و خودرو بیشتر با نگاهی بدینانه به عنوان مشکل انگاشته می‌شوند و تفکر ساماندهی به جای برچیده شدن و پاکسازی، می‌تواند رهگشای این پدیده محسوب گردد (برلمن، ۱۳۹۷: ۱۹). این پدیده از عوامل ساختاری در سطح ملی و منطقه‌ای ناشی می‌شود. جمعیت جهان در پایان دهه اول از هزاره سوم از مرز  $6/8$  میلیارد نفر گذشت و با نرخ رشد سالانه حدود  $1/2$  درصد رو به افزایش است. بر اساس برآورد مرکز اسکان بشر سازمان ملل متحده، سکونتگاه‌های غیررسمی، پدیده‌ای است که بیش از  $50$  درصد ساکنان شهرهای کشورهای کشورهای غیررسمی و ساکنان کشورهای میان‌درآمد را به خود اختصاص داده است. رشد فراینده جمعیت شهری از توان سازمان‌های دولتی و غیردولتی جهت توسعه و ارائه خدمات و تسهیلات شهری خارج بوده و برآورده نشدن نیاز مسکن و سربپناه اشاره کم‌درآمد در فضای رسمی و برنامه‌ریزی شده شهر، حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی را به طرز بی‌سابقه‌ای گسترش داده است (شیعه و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۹). افزایش مهاجرت‌های روستا-شهری در ایران، بستر مساعدی جهت شکل‌گیری مناطق حاشیه‌ای در پیامون بافت فیزیکی شهرها فراهم نموده است، به گونه‌ای که بسیاری از کلانشهرها را با پیامدهای گوناگون خود، تحت تأثیر قرار داده است. بدون شک، تأثیر اسکان غیررسمی بر ناپایداری شهری از جنبه‌های مختلفی همچون، ناپایداری سربپناه، ناپایداری اجتماعی، ناپایداری دسترسی، ناپایداری اقتصادی و ناپایداری محیطی قابل بحث و بررسی است (رستمزاده، ۱۳۹۱: ۳۳۳). این‌گونه سکونتگاه‌ها هر چند جلوه‌ای از فقر را نمایان می‌سازد، اما بازتاب کاستی‌ها و نارسائی‌های سیاست‌های دولتی و بازار رسمی محسوب می‌شوند. اسکان غیررسمی به سبب بازتولید فقر و گسترش آن، به مخاطره اندختن محیط زیست و تحمل هزینه بیشتر برای حل مشکلات در مقایسه با هزینه پیشگیری از آن‌ها، تهدیدی جدی برای پایداری و انسجام جامعه شهری به حساب می‌آید و نیازمند تدبیر ویژه جهت ساماندهی وضعیت کنونی و جلوگیری از گسترش آن در آینده است.

رشت را می‌توان از جمله مناطق کشور دانست که دارای بافت جمعیتی و سکونتگاهی پرtraکم است. از دیاد جمعیت در این شهر که غالباً در پی مهاجرت شهروندان اردبیلی جهت جستجوی کار رخ می‌دهد، موجبات توسعه و گسترش کالبد شهر به صورت افقی را فراهم نموده است؛ گسترش و توسعه شهر در برخی مناطق به صورت نامتوازن دیده می‌شود و در پی آن امکانات شهری به صورت عادلانه و مساوی در همه محلات تقسیم نشده است. به طوری که تداوم این تفاوت‌ها در چند دهه، منجر به شکل‌گیری محلاتی شده که بطور عام از آن‌ها به عنوان حاشیه‌نشینی یاد می‌شود. اما نوع و جنس حاشیه‌نشینی در رشت بسیار متفاوت با سایر مناطق حاشیه‌نشین در کشور است؛ حاشیه‌نشینی در رشت بیشتر در قالب بدمسکنی است که از آن با عنوان سکونتگاه‌های غیررسمی یاد می‌شود. فاصله کم مابین شهر و روستا در استان گیلان، سبب درهم تنیدگی جامعه شهری و روستایی شده و کارکردهای مختلفی را در شهرها ایجاد نموده است. در فاصله بین اولين و آخرین سرشماری رسمی کشور، شهر رشت به مثابه یک نخست شهر در استان، رشدی  $6/5$  برابر در طول شش دهه داشته است و در رده‌بندی مقیاس ملی، رشت با  $9\%$  آخرین رتبه مابین  $15$  کلانشهر از نظر میزان درصد جمعیت حاشیه‌نشین را دارد.<sup>۱</sup> از این‌رو، نه تنها توسعه کالبدی و فضایی شهر رشت مسبب سوق یافتن جمعیت، به مناطق حاشیه‌ای می‌شود، بلکه تغییرات کالبدی در نتیجه جذب پتانسیل شهرهای اقماری و محلات ناحیه‌ای، در خود شهر و پیامونش ایجاد می‌گردد (پورشیخیان و نظریان، ۱۳۸۹: ۳۳). در چنین وضعیتی به نظر می‌رسد، مشکل مسکن، اسکان غیررسمی و سکونت نامتعارف که نتیجه تراکم و تمرکز جمعیت، گسترش نامزد افقی، ادغام روستاهای شهرها و کلیه عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... مرتبط با آن است، از مشکلات عمدۀ شهر رشت به شمار رود.

مطالعات مختلف نشان می‌دهد ارتباط معناداری مابین فرآیندهای اجتماعی و اقتصادی، سهولت تهیه مسکن و زمین، قومیت و مسأله اشتغال در کلانشهرها با شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین وجود دارد (داداشپور و علیزاده، ۱۳۹۰؛ ربانی و همکاران، ۱۳۸۸؛ سجادزاده و همکاران، ۱۳۹۶؛ Taleshi, 2004؛ Davis, 2009). لذا، این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که معیارهای اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی، کالبدی و قانونی، مدیریت شهری و زیستمحیطی چگونه منجر به شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی شهر رشت می‌شود؟ و در پی آن ساختار کالبدی این مناطق دستخوش چه تغییراتی می‌گردد و چگونه گسترش می‌یابد؟ لذا پرداختن به مسئله‌ای حاشیه‌نشینی و توجه به علل شکل‌گیری و گسترش آن در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر رشت که شامل محله‌های جماران، نخودچر، پاسکیاب و عینک است، گامی مهم در جهت شناسایی این پدیده و یافتن راهکارهای مناسب برای تحقیقات آتی در جهت بهبود کیفیت زندگی ساکنان این مناطق به شمار می‌رود.

## پیشینه پژوهش

اگرچه چندین دهه از مطالعه در خصوص سکونتگاه‌های غیررسمی و حاشیه‌نشینی می‌گذرد، در این میان برخی پژوهش‌ها به بررسی چگونگی شکل‌گیری این مناطق و گسترش آن‌ها پرداخته‌اند؛ لیکن همچنان نتایج و پیشنهادات متفاوتی در این خصوص مطرح می‌شود که در ادامه به برخی از این پژوهش‌ها اشاره شده است.

سرور و روستا در کتابی با عنوان «اصول مبانی توانمندسازی در سکونتگاه‌های غیررسمی و بافت‌های فرسوده» بیان می‌کنند اسکان غیررسمی نتیجه شهرنشینی شتابزده به شمار می‌رود و بیانگر رفتار بدون برنامه‌ریزی در داخل و خونه شهرهاست (سرور و روستا، ۱۳۹۳: ۶۳). ایزدی در پیشگفتار نشیره هفت شهر با محوریت سکونتگاه‌های غیررسمی تاکید می‌نماید این گونه سکونتگاه‌ها، محل زندگی اشاره کم درآمد جامعه شهری محسوب شده و از نظر برخورداری از شاخص‌های زیستمحیطی (زلزله، رانش، سیل و...)، شاخص‌های اجتماعی (تراکم جمعیت بالا، بعد خانوار، بی‌سودایی)، شاخص‌های اقتصادی (بالا بودن بیکاری، اشتغالات غیررسمی، فقدان مهارت ساکنین و...) و همچنین امنیتی (آسیب‌های اجتماعی، رفتارهای پرخطر و...) بسیار نامناسب ارزیابی می‌گردد. وی معتقد است کمبود شدید و فقدان خدمات پایه شهری اعم از زیربنایی و روینایی از اساسی‌ترین خصوصیات این مناطق به حساب می‌آید (ایزدی، ۱۳۹۳: ۳). الساید و نصر در مقاله‌ای با عنوان «سکونتگاه‌های غیررسمی تا جوامع پایدار» با رویکردی استقرایی این روش‌های کمی و کیفی بطور همزمان سکونتگاه‌های غیررسمی را دلیلی منطقی به عدم پاسخ‌دهی به رشد تقاضای مسکن می‌دانند. آنچه در این پژوهش بررسی شده است این پدیده را مرتبط با فاکتورهایی همچون گذر از استعمار، افزایش فقر شهری، تاثیرات تعديل ساختاری و سایر برنامه‌های نوپلیرالی<sup>۳</sup> در زمینه‌ی رفاه رسمی برای فقرا می‌داند (Nassar & Elsayed, 2018: 2368). هادی‌زاده در کتاب «حاشیه‌نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در جهان» سکونتگاه‌های غیرقانونی را به عنوان یک منطقه‌ی مسکونی تعریف نموده است که بدون مطالبه‌ی قانونی برای دریافت زمین و یا اجازه از سوی مقامات مربوطه جهت ساختن خانه، توسعه یافته است (هادی‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۴). پیران در مقاله‌ای با عنوان «از اسکان غیررسمی تا اسکان نایابی» با روش توصیفی- تحلیلی سکونتگاه‌های خودانگیخته را ناظر بر محل اسکان بخشی از جمعیت شهری می‌داند که خارج از بازار رسمی زمین و مسکن و بر پایه قواعد و قول و قرارهای خاص، به دست ساکنان این مناطق، ساخته می‌شوند (پیران، ۱۳۸۷: ۲۲).

تمرکز بیش از حد جمعیت در فضای پیراشه‌ی ناشی از رقابت ناهمسان اقتصادی، منجر به افزایش تعداد کلانشهرها می‌گردد. طبق پژوهشی از افراخته و حجی‌پور، افزایش تمرکز بر اقتصاد ملی در اینگونه قطب‌ها، فضایی اثربخش جهت جذب جمعیت از سراسر کشور را فراهم می‌نماید. نتایج این پژوهش که بر اساس روش توصیفی- تحلیلی و همبستگی صورت پذیرفته است، نشان می‌دهد محدودیت فضایی و ازدیاد جمعیت در کلانشهرها از علل سرزبیر شدن جمعیت در نواحی پیرامونی آن محسوب می‌گردد. این انفاق با تحولات مثبت و منفی بسیاری همراه است؛ به گونه‌ای که مناطق گسترهای در معرض جریاناتی همچون ادغام یافتن، خوش و شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی قرار می‌گیرد و بارگذاری فزاینده ساخت و سازهای فرآگیر و نهایتاً تنش فضایی و کاهش پتانسیل توسعه را به دنبال دارد (افراخته و حجی‌پور، ۱۳۹۴: ۱۶۲). شیعه، حبیبی و کمال‌نسب در مقاله‌ای با عنوان «فرآیند شکل‌گیری و گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی، نمونه موردی محله سهرابیه کرج»، طی سه مرحله مطالعات کتابخانه‌ای، میدانی و تجزیه- تحلیل پرسشنامه‌ها به وسیله نرم‌افزارهای ARCGIS و SPSS، لزوم توزیع عادلانه امکانات در سطح این مناطق و ایجاد فرصت‌های شغلی در آن را به عنوان رویکرد اصلی در جلوگیری از گسترش اسکان غیررسمی در محله موردنظر مطرح نموده‌اند. همچنین آن‌ها وجود مزیت‌های متعدد محله موردنظر برای مهاجرین کم‌درآمد از قبیل ارزان بودن زمین، نزدیکی به شهر، وجود جاده‌ای به عنوان محور اتصالی به پیکره اصلی شهر و عدم نظارت دقیق شهرداری بر ساخت و سازهای غیرمجاز، را سبب مهاجرپذیر بودن این شهر دانسته‌اند (شیعه و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۹).

ایراندوست و همکاران در مقاله‌ای تحت عنوان «گونه‌شناسی سکونتگاه‌های غیررسمی در شهرهای ایران، مطالعه تطبیقی شهرهای سنتدج و کرمانشاه» با روش تحقیق تحلیلی- توصیفی و به کمک مطالعات کتابخانه‌ای و برداشت‌های میدانی با ابزارهای مختلفی چون مشاهده، پرسشنامه و مصاحبه به بازناسانی الگوی رایج اسکان غیررسمی و انواع سکونتگاه‌های غیررسمی در دو شهر سنتدج و کرمانشاه پرداخته است. براساس یافته‌های پژوهش، سکونتگاه‌های غیررسمی در این دو شهر را می‌توان بر اساس معیارهای اصلی از جمله نحوه شکل‌گیری، روند تشکیل، قدامت شکل‌گیری، موقعیت و مقیاس دسته‌بندی نمود (ایراندوست و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۱). قاسمی و همکاران در پژوهشی با عنوان «بررسی تاثیر حاشیه‌نشینی بر شیوع آسیب‌های اجتماعی»، با روشی پیمایشی و جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته همراه با مصاحبه و مشاهده و تحلیل داده‌های آن با نرم‌افزار SPSS، ضریب رگرسیون، آزمون‌های آماری ویلکاکسون و من ویتنی برای سنجش متغیرها، رشد فزاینده آسیب‌های اجتماعی در اینگونه سکونتگاه‌ها را در ارتباط مستقیم با کیفیت مساکن می‌داند. وی بر ساخت اینیه در این

گونه سکونتگاهها به صورت ساختوساز غیرقانونی و یا به صورت تصرف عدوانی تاکید نموده و آن‌ها را اغلب فاقد اینمی‌لازم ارزیابی می‌نماید (فاسی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۳). با مرور مقالات و پژوهش‌های مختلف در این حوزه، به نظر می‌رسد کیفیت کالبدی و کارکردی مناطق حاشیه‌نشین رو به کاهش است. مسکن‌سازی به صورت شتابزده و معماری ناهمگون این‌ها در این مناطق سبب‌ساز خلق مناطقی نابسامان در سطح شهرها می‌گردد. سیمون چمن<sup>۳</sup> معتقد است مناطق حاشیه‌نشین و موارد مشابه آن، غالباً به صورت خلق‌الساعه از مواد و مصالح مختلف ساخته می‌شوند، معمولاً به وسیله خود ساکنان احداث شده‌اند، توسعه این سکونتگاه‌ها اغلب به صورت انفاقی صورت گرفته و مکان‌گرینی آن‌ها اغلب در لبه‌های شهری، حواشی خطوط راه‌آهن و بزرگراه‌ها و یا زمین‌های خالی از سکنه‌ای که در مجاورت مناطق مرکزی شهرها قرار دارند، صورت می‌گیرد و در انتهای معمولاً در مناطق نامناسب شهری (مانند: زمین‌های ناهموار، حواشی کارخانijات، در مجاورت زمین‌های رها شده و بلااستفاده) دیده می‌شوند (اشتیاقی، ۱۳۹۹: ۱۱). تعاریف ذکر شده در این حوزه، ناشی از نگرش‌های مختلف به این پدیده است که در جدول ۱ به جمع‌بندی نظریه‌ها و ماهیت شکل‌گیری آن‌ها پرداخته شده است.

جدول ۱- جمع‌بندی آرای نظریه‌پردازان در حوزه سکونتگاه‌های غیررسمی و رویکرد نظریه‌ها

ردیف	نظریه‌پردازان	ماهیت نظریه	نظریه‌های موجود در حوزه سکونتگاه‌های غیررسمی
۱	استاکس	آلونک‌های یاس و آلونک‌های امید	استاکس مرز مشخصی مابین جوامع فقیر موفق و ناموفق ترسیم نمود. او این دو دسته را (Stokes, 1962: 113).
۲	چارلن آبرامز	رویکرد مشارکتی	براساس نظریه چارلن آبرامز، فقرای شهری ساکن در سکونتگاه‌های فقیر شهری، جزوی از شهروندان شهرها محسوب شده و بر این اساس ستری برای رویکردهای مشارکتی در اسکان‌های غیررسمی در جهان بوجود آمد (Abrams, 1964: 47).
۳	ویلیام مانگین	مسکن خودیار	وی به «مسکن خودیار» <sup>۴</sup> به عنوان عنوان نیرویی مثبت در تامین مسکن فقرا اعتقاد داشت (Mangin, 1967: 71).
۴	جان اف سی ترنر	مسکن خودیار	وی معتقد بود دولت می‌بایست زمینه بھبود مسکن خودیار را فراهم نماید. زیرا دولت نمی‌تواند مسکن را برای همه اقسام جامعه فراهم نماید (Turner, 1976: 59).
۵	بورگس	وسیله‌ای در راستای تغیرات اجتماعی	بورگس بر این باور بود که «رهبران سیاسی می‌توانند از فقر و کم درآمدها به عنوان یک ارش بزرگ در مقابل سرمایه‌داران استفاده کنند» (Burges, 1978: 50).
۶	دسوتو	خودیاری و میزان مشارکت محلی	دسوتو در سال ۲۰۰۵ رویکرد «خانه‌سازی خودیار» را تدوین نمود. بر طبق این رویکرد بحث خانه‌سازی توسط دولت می‌بایست به صورت کامل کنار گذاشته شود و بیشتر بر خودیاری و میزان مشارکت در محلات فقیر شهری تاکید نموده است (De Soto, 1989: 391).
۷	کتی راکووسکی	جدایی بخش رسمی و غیررسمی	وی براساس دو رویکرد اصلی ساختاری و نئولیبراستی به ترتیب غیررسمی بودن در جوامع پیرامونی را با ماهیت نامتعادل توسعه سرمایه‌داری توجیه می‌کند و براساس رویکرد دوم معتقد به جدایی بخش غیررسمی و رسمی بوده و غیررسمی بودن را یک راهبرد منطقی تلقی می‌نماید (Rakowski, 1994: 506).
۸	اسکار لوئیس	فرهنگ فقر	بعد از ارائه نظریه «فرهنگ فقر» <sup>۵</sup> توسط اوی، طرح‌های نادیده انگاری و پس از آن تخلیه اجرای سکونتگاه‌های غیررسمی در اکثر کشورها، بخصوص در کشورهای در حال توسعه رواج یافت (Lewis, 1998: 21).
۹	دیوید هاروی	بازتاب نظام اقتصادی و اجتماعی	به اعتقاد اوی طرح‌ها و ویژگی‌های معماری شهرها و محله‌ها بیانگر ستیزه‌های میان گروه‌های مختلف جامعه بوده و محیط ساخته شده بازتاب دهنده نظام‌های اقتصادی و اجتماعی است (Harvey: 2003: 67).
۱۰	روی	ادغام بازار رسمی با بازار غیررسمی مسکن	روی معتقد به ادغام بازار رسمی با بازار غیررسمی بود. از نظر اوی دولت می‌بایست از ارتباطات مابین بازارهای رسمی و غیررسمی در زمینه حل مشکل مسکن در بخش‌های غیررسمی شهر استفاده نماید (Roy, 2005: 14).

ردیف	نظریه‌پردازان	نظریه‌های موجود در حوزه سکونتگاه‌های غیررسمی	ماهیت نظریه
۱۱	جانیس پرلمان <sup>۸</sup>	براساس نظریه پرلمان «ساکنان فاولاها- سکونتگاه‌های غیررسمی در آمریکای لاتین- از نظر سیاسی و اقتصادی حاشیه‌ای نیستند اما سرکوب و محروم شده‌اند، از نظر اجتماعی و فرهنگی حاشیه‌ای نیستند بلکه از یک نظام طبقاتی داغ تنگ را کشیده‌اند و برکنار مانده‌اند» (پرلمان، ۱۳۹۷: ۱۰۶).	نتیجه نظام طبقاتی

### عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی

تنوع دلایل شکل‌گیری پدیده حاشیه‌نشینی به عنوان یک پدیده جهانی در نقاط مختلف، متفاوت بوده و مهاجرت از مهم‌ترین آن‌ها به شمار می‌رود (زنگی‌آبادی و مبارکی، ۱۳۹۱: ۷۲). سکونتگاه‌های غیررسمی را می‌توان در دو سطح بررسی نمود: سطح کلان و سطح خرد. علل سطح کلان را بیشتر ساختاری و حاصل ساز و کار تبعیض‌آمیز و مولد فقری می‌دانند که به واسطه توزیع ناعادلانه منابع قدرت و ثروت و میزان بهره‌مندی از آن‌ها وجود داشته و بازتاب این تبعیضات را می‌توان هم در سطح ملی و هم منطقه‌ای و محلی مشاهده نمود؛ عدم تعادل‌های منطقه‌ای در سطح ملی و برتری شهرهای بزرگ و محلات خوب و ثروتمندشین در برابر دیگر شهرها و محلات در سطح منطقه‌ای و محلی سبب ساز مهاجرت به سوی کانون‌های سکونتگاهی برتر می‌گردد (امیری و کمالی، ۱۳۹۱: ۵۹).

باید توجه داشت که حاشیه‌نشینی به صورت مستقیم مرتبط با علل مهاجرت از روستا به شهر است. نظریه مرکز-پیرامون<sup>۹</sup> به خوبی فرآیند شکل‌گیری مناطق حاشیه‌ای را در نتیجه بهره‌کشی ناعادلانه هسته شهری نشان می‌دهد. در این نظریه هسته مرکزی شهر، به دلیل عامل سلطه بر پیرامونش که خود از انباست سرمایه در درون و عدم سرمایه‌گذاری در بیرون حاصل می‌گردد، پیوسته خود را تقویت نموده و ناحیه‌ی بیرونی خود را از توسعهٔ فیزیکی و انسانی باز می‌دارد (شیعه و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۲). سکونتگاه‌های غیررسمی آشکارا، به قلمرو مردم فقیر ساکن در مناطقی با کمبود امکانات، زیرساخت‌ها و دسترسی محدود به مالکیت زمین تبدیل شده است. سکونتگاه‌های غیررسمی به عنوان شیوه‌ای از شهرنشینی محسوب می‌گردد که فعالیت‌های غیررسمی را نیز به دنبال دارد. مردم جویای کار، وارد شهرها می‌شوند ولی جایی برای زندگی و سکونت ندارند (Putri et al., 2020: 2). اقتصاد خانواده‌ها، مقوله سکونت، کیفیت زندگی و محیطی برای ادامه حیات، رابطه‌ای بدون گسست دارند (امیری و کمالی، ۱۳۹۱: ۵۸). قشر کم‌درآمد در روستاها و شاغل در فعالیت‌های تولیدی سنتی، به دلیل کم رونق بودن این بخش و همچنین به جهت رهایی از فقر و برخورداری از خدمات و امکانات موجود در فضایی بزرگ‌تر، راهی شهرها می‌شوند و از همین جاست که شهرها با فرهنگی دوگانه مواجه می‌گردند (عزیزیان و قاسمی، ۱۳۹۵: ۳۴). نظریه تودارو<sup>۱۰</sup> درخصوص مهاجرت، با این پیش‌فرض آغاز می‌شود که مهاجرت برخلاف وجود بیکاری در شهر، ادامه می‌یابد و مبتنی بر محاسبات اقتصادی فرد است که جنبه شخصی دارد. در نظریه وی، مهاجرت بیشتر در پاسخ به تفاوت درآمد مورد انتظار شهر و روستا صورت می‌گیرد تا درآمد واقعی. اساس بحث اینجاست که مهاجرین، به عنوان تصمیم‌گیرنده، فرصت‌های گوناگونی را که در بازار کار در دسترس آنهاست، از جمله بخش‌های روستایی و شهری را مورد توجه قرار می‌دهند و شغلی را انتخاب می‌کنند که دستاوردهای مورد انتظار آن‌ها از مهاجرت را به حداقل برساند. دستاوردهای مورد انتظار از طریق: (الف) تفاوت درآمدهای واقعی فرصت‌های شغلی شهر و روستا و (ب) احتمال به دست آوردن شغل شهری برای یک مهاجر جدید، اندازه‌گیری می‌شود. در نتیجه در تصمیم‌گیری برای مهاجرت، فرد احتمالات و مخاطرات مربوط به بیکاری یا کم‌کاری را در یک دوره نسبتاً طولانی در مقابل تفاوت‌های مثبت درآمد شهر و روستا سبک و سنگین می‌کند (تودارو، ۱۳۹۰: ۲۰۴). در واقع مهاجرت رشد بی‌رویه شهرها را منجر می‌گردد و شهرنشینی را به دنبال دارد. به بیان دیگر، مهاجرت و شهرنشینی دو وجه مرتبط به هم هستند؛ مهاجرت، شهرنشینی را وسعت می‌بخشد و شهرنشینی علت مهاجرت است (Jafari Sadeghi & Asadi, 2019: 86).

نابسامان شهری در ایران نیز موجبات خلق و گسترش ناهمگونی و تضاد در کالبد اکثر شهرها را فراهم نموده است (سجادزاده و صفری، ۱۳۹۴: ۱۰۵). از منظر اجتماعی و فرهنگی، قومیت به عنوان یکی از مهم‌ترین فاكتورهای تاثیرگزار، وجود پیوندهای خویشاوندی متعدد در این مناطق را تبیین می‌نماید. این پیوندها در سکونتگاه‌های قبلی این افراد شکل گرفته است و به طور کل، بعد از مهاجرت عضوی از یک طایفه نسبتاً بزرگ به این مناطق، بقیه افراد طایفه به مهاجرت و این تغییر، ترغیب می‌گردد. مهاجران که جذب در نظام اجتماعی منطقه خود نشده‌اند در بدو ورود به عرصه بی‌در و پیکر جامعه شهری، از سوی خویشاوندان خود که قبلاً این مسیر را طی کرده‌اند مورد استقبال قرار می‌گیرند. آن‌ها در تهییه امکانات اولیه جهت استقرار در مکان جدید، به مهاجران کمک می‌کنند (اسماعیلی و امیدی، ۱۳۹۱: ۱۸۱).

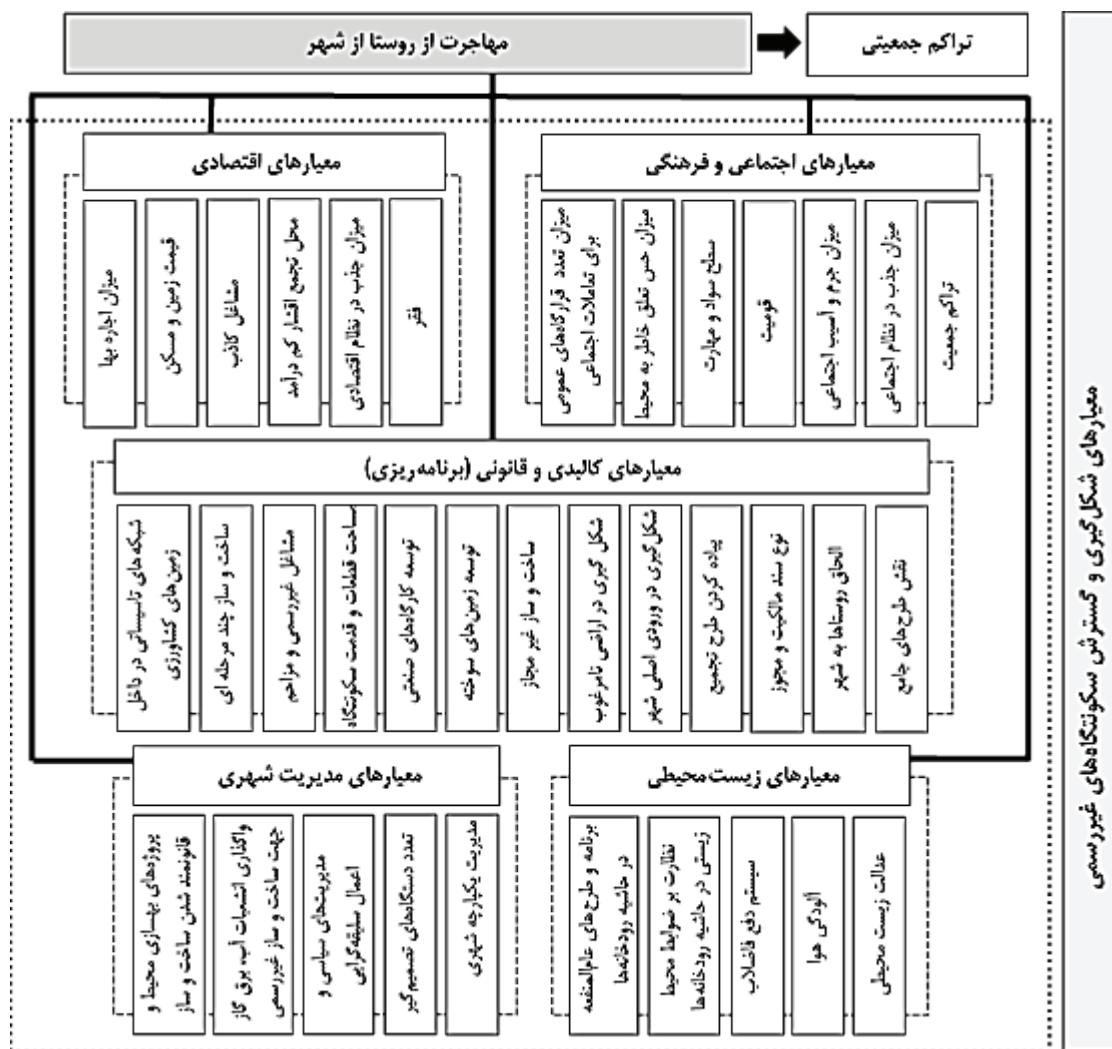
ارتباط با فقدان عدالت اجتماعی از طریق عدالت فضایی با فضا پیوند می‌خورد؛ به عبارت دیگر درک مفهومی عدالت و بی‌عدالتی موجود در فضاء، تجلیاتی از فعل و انفعالات میان جامعه و فضا است. مفاهیم شکل‌دهنده عدالت فضایی حول محور توزیع عدل، به منظور دستیابی به برابری و توامندسازی مردم می‌خرد. کیفیت مصالح مورد استفاده در فضاهای توزیع منصفانه منابع، خدمات و دسترسی‌های مورد نیاز منجر به خلق جامعه عادلانه‌تری می‌گردد (Schwab, 2018:2).

از دیدگاه اقتصادی مناطق حاشیه‌نشینین نتیجه برنامه‌ریزی خودبخودی کم‌درآمدّها برای ایجاد سرپناه و مسکن پنداشته می‌گردد و حاشیه‌نشینان را، اغلب افراد کم‌درآمدّی می‌داند که در برنامه‌ریزی‌های شهری به حساب نمی‌آیند (پیران، ۱۳۸۰: ۲۲۴). در واقع وجود مساکن ارزان در این مناطق متناسب با استطاعت مالی حاشیه‌نشین، یکی از مهم‌ترین عوامل هجرت آن‌ها بسوی سکونتگاه‌های غیررسمی است. عدم وجود امنیت شغلی و بیکاری در مناطق حاشیه‌نشین که تهدیدی برای سلامتی ساکنان این نواحی است، سبب می‌گردد همواره آنها در پی کنترل وضعیت متغیر مسکن باشند. زندگی در مناطق شهری ولو در فقیرترین نواحی و رویارویی با معضل اجاره‌خانه‌هایی که همواره روبه افزایش است، دستیابی به مسکنی که هزینه آن با متغیر شدن شرایط ثابت بماند امری مطلوب به حساب می‌آید. حاشیه‌نشینان توانایی پرداخت هزینه‌های اجاره مسکن را در نقاط داخلی شهرها نداشته و تنها نفس وجودی مسکن و اجاره بهای پایین‌تر نسبت به مرکز شهر به عنوان فاکتوری مثبت قلمداد می‌گردد (اسماعیلی و امیدی، ۱۳۹۱: ۱۹۹).

از منظر کالبدی و قانونی، رشد روزافزون جمعیت و نرخ مهاجرت در شهرها منجر به ساخت و ساز بدون برنامه‌ریزی‌های لازم و تغییرات گسترده در ساختار کالبدی شهرها شده است. گسترش شهرها در زمین‌های زراعی به صورت ارگانیک، لزوم سازماندهی اساسی و طراحی فضایی زیست مناسب با هدف جلوگیری از اتلاف بیهوده زمین‌های کشاورزی را مهیا می‌سازد (کیانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۲). همچنین گسترش شهرها در مناطق پیرامونی، بازتاب گسترش شتابزده مادر شهرها در نیم قرن اخیر است. از این رو روتاستهای پیرامونی، با تبعات متعددی از گسترش مغلووش و بی‌برنامه شهرها در ابعاد فضایی و مکانی روبرو می‌شوند که شاخص‌ترین آن، تغییرات عمده در کاربری‌ها و پوشش اراضی قسمت‌های عرفی روتاستهای (افراحته و حجی‌بور، ۱۳۹۲: ۱۵۹). بیشتر زمین‌های زراعی در این مناطق به صورت غیرقانونی تفکیک شده است و اغلب ساختمان‌ها بدون مجوزهای قانونی از شهرداری‌ها با مصالح ارزان ساخته می‌شوند که این مسئله بی‌نظمی بافت در این مناطق را افزایش داده است (رضایی و کمانداری، ۱۳۹۳: ۱۸۴). مهم‌ترین عاملی که سکونتگاه‌های غیررسمی را از دیگر سکونتگاه‌ها بر جسته می‌سازد عدم وجود سند مالکیت برای مالکینی است که خانه خود را در این مناطق ساخته‌اند. زمین ساخته شده می‌تواند زمین دولتی، عمومی خالی از سکنه و یا جزو زمین‌های باتلاقی و نامطلوب واقع در حاشیه این مناطق باشد. حتی ممکن است مالک، زمینی که ادعای مالکیت آن را دارد به قیمتی بسیار نازل به یک یا چندین خانواده بفروشد و یا به صورت غیرقانونی اجاره دهد که در هر دو صورت اعتبار قانونی ندارد (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۱۳). بدین ترتیب به نظر می‌رسد پدیده سوداگری مسکن و زمین در شهرها، موجبات رشد تقاضا برای مسکن و همچنین وجود قوانین ناقص درخصوص ساخت‌وساز در اراضی شهری و دخل و تصرف در آن را فراهم نماید. رشد فزاینده‌ی ساخت‌وسازها در زمین‌های حاشیه شهری قبل از ایجاد زیرساخت‌های موردنیاز، به دلیل عدم وجود طرح‌های شهری حادث می‌گردد (بیک‌محمدی و حاتمی، ۱۳۹۰: ۱۳۹).

دیدگاه مدیریت شهری از آن لحاظ مهم است که به تنهایی قادر به حل مشکلات موجود در سکونتگاه‌های رسمی نبوده و فقدان ابزار قانونی در ارتباط با این پدیده می‌تواند در گسترش این مناطق بسیار تاثیرگذار جلوه نماید. قوانین شهری در قالب برنامه‌ریزی‌های لازم در فرآیند به قاعده کردن محدوده‌های اسکان غیررسمی و ایجاد ساز و کاری قانونی جهت ساخت و سازهایی با هدف بهسازی محیط می‌باشد سه نقش بسیارسازی، ابزار و دریافت حمایت فرآیند از کلیه عناصر موثر را ایفا کند (شیخی و کاظمی صفت، ۷: ۱۳۹۰). پر واضح است اسکان غیررسمی، وجود موانع ساختاری و ناکارآمدی سیاست‌های دولتی در تامین مسکن و خدمات رسانی مورد نیاز برای قشر کم‌درآمد در سطح کلان را تبیین می‌نماید. در سطح خرد نیز ضعف در مدیریت شهری، وجود مراجع غیرقانونی گروه‌های ذینفع و ذی‌نفوذ محلی و برخوردهای نامشروع در پذیرش و یا کتمان این سکونتگاه‌ها، مسئله را تشدید نموده است (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۳). بدین ترتیب، مدیریت شهری می‌باشد با دیدگاه جامع‌تری در ارتباط با اجزاء و عناصر این سیستم به فرآیند ساخت شهر توجه نماید (محمدی‌دوست و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۷). توجه به این نکته ضروریست که رویکرد کل‌نگر، نیازمند نیرویی هدایتی قوی است تا هماهنگی و همسویی لازم در فرآیند مدیریت شهری حاصل گردد و مطلوب‌ترین نیروی هدایتی، مطمئناً یک حکومت شهری یا محلی قوی در سطح شهری خواهد بود. در این میان یکی از موارد مهم پس از تقویت سازمان‌های محلی و ایجاد حکومت محلی، طراحی و بهبود نمایش و مشارکت میان حکومت محلی، بخش خصوصی و جامعه شهر مدنی و تلاش برای دربرگیری بازیگران و ذینفعان متعدد شهری در اداره شهرهای است. این نگرش در چارچوب «رویکرد حکمرانی خوب

شهری» مدلی منسجم از مدیریت شهری را به دست می‌دهد (لالهپور و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۷). لذا چگونگی رفتار و برخورد مدیریت شهری با محضل حاشیه‌نشینی، سبب‌ساز ایجاد بازخوردهای مثبت در شهر می‌گردد. کاهش سیر صعودی حاشیه‌نشینی، ادغام قسمت‌های حاشیه‌ای با متن شهر با سلوکی درست، چشم‌پوشی و یا انتقال مراکز بحران‌زای حاشیه‌ها به نقاط دیگر و یا افزایش بحران‌های منتج از حاشیه‌نشینی، از پیامدهای قابل پیش‌بینی از نحوه رویارویی مدیریت شهری با این پدیده به شمار می‌رود (غلامحسینی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳۱).



تصویر ۱- نمودار معیارهای موثر بر شکل‌گیری و گسترش حاشیه‌نشینی

از منظر زیست‌محیطی رشد شتابزده شهرنشینی، نرخ تولید آلودگی هوا را به شدت افزایش داده است؛ پر واضح است کنترل و کاهش این روند، مشکلات متعددی را برای شهرها بوجود می‌آورد. علاوه بر این، افزایش رشد جمعیت در کشورهایی با ملزمات اقتصادی و فنی ضعیف‌تر، کنترل آلودگی‌ها را با مشکلات عدیدهایی همراه می‌سازد. زندگی در همه محیط‌های زیست شهری در جریان بوده و مستقیماً بر فعالیت‌های انسان تاثیرگزار است و از آن متأثر می‌گردد، لذا اگر تاثیر متقابل ویران‌کننده باشد فجایع زیست‌محیطی به بار می‌آورد (مختراری ملک‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳)، بهره‌برداری ناپایدار منتج از افزایش جمعیت، از اساسی‌ترین عوامل دخیل در تخریب محیط‌زیست و فشار حداکثری بر منابع اکولوژیکی است که به ظرفیت نگهدارش محیط زیست آسیب می‌رساند. سکونت طیف وسیعی از مهاجران در حاشیه‌های شهرها، بستر توسعه شهری را ناپایدار نموده است. با توجه به فراوانی چشمگیر اکوسیستم‌های موجود در کشور، محیط زیست همواره در معرض آسیب قرار داشته و این ضعف، اثرات منفی زیادی را بر جوامع انسانی مستقر در حاشیه‌ها، منتقل می‌نماید. کاهش کیفیت محیط زیست در مناطق مختلف و یا تخریب آن، منجر به مهاجرت ساکنان به شهرهای مجاور شده و مضلاطاتی چون فقر، فساد، ناامنی و حاشیه‌نشینی را برای شهرها بوجود

می‌آورد (میر و همکاران، ۱۳۸۵: ۲). آنچه مسلم است خانه‌های متزلزل ساخته شده توسط گروهی از ساکنان فقیر در این نواحیست؛ درحالیکه کمبود خدمات عمومی و دفع اصولی فاضلاب، استفاده از حاشیه رودخانه‌ها جهت ساخت و سازها، تعییر در دبی رودخانه و حتی آلودگی آب‌های زیرزمینی، امکان وقوع سیل و رانش زمین در پی دست‌اندازی در رودخانه‌ها و کوهها و ... از دغدغه‌های پررنگ در این نواحی به شمار می‌رود (آنامراذن‌زاد، ۱۳۹۳: ۶۶). بدین ترتیب زیاده‌طلبی و توسعه ساخت و سازها در بستر و حریم رودخانه‌ها، تالابها و سواحل دریا و احداث سازه‌های تقاطعی بدون رعایت اصول فنی دلیل بر عدم نظارت بر ضوابط زیست‌محیطی و وجود برنامه‌های سودمند در این مناطق محسوب می‌گردد (سلطانی و جعفری، ۱۳۹۰: ۲۰). با توجه به مطالعات نظری این پژوهش زیرمعیارهای قومیت، میزان ارتباط ساکنان این مناطق با خویشاوندان خویش و فقدان عادات اجتماعی از دیدگاه فرهنگی- اجتماعی، زیرمعیارهای فقدان درآمدهای ثابت، محل تجمع افراد کم‌درآمد و قیمت ارزان زمین و مسکن از دیدگاه اقتصادی، زیرمعیارهای اراضی نامرغوب جهت ساختمان سازی، خرید و فروش خانه‌ها بدون سند مالکیت و توسعه زمین‌های سوخته از دیدگاه کالبدی و قانونی، زیرمعیارهای اجرای پروژه‌های بهسازی محیط، تامین فضاهای عمومی و قانونمند شدن ساخت و سازها در مناطق حاشیه‌نشین از دیدگاه مدیریت شهری و زیرمعیارهای آلودگی هوا، سیستم نامناسب دفع فاضلاب شهری، بی‌توجهی متولیان نظارت بر ضوابط زیست‌محیطی در حاشیه تالابها و رودخانه‌ها و عدم وجود برنامه و اجرای طرح‌های عام‌المنفعه در حاشیه رودخانه‌ها از دیدگاه زیست‌محیطی حائز اهمیت و بررسی است. لذا در تصویر ۱ می‌توان کلیه معیارها و زیرمجموعه‌های موثر بر شکل‌گیری و گسترش مناطق حاشیه‌نشین را مشاهده نمود.

## معرفی محدوده مورد مطالعاتی

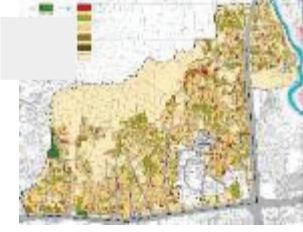
شهر رشت مرکز استان گیلان با جمعیت حدود ۶۸۰۰۰ نفر به عنوان یک کلانشهر، در منطقه شمال کشور قرار دارد. محلات فروdest شهر رشت شامل جماران، پاسکیاب، استخر عینک و نخودچر براساس پنج معیار اصلی میزان فقر شهری، هم‌جواری و نزدیکی، حاد بودن معضلات اجتماعی، بحث‌های زیست‌محیطی و حاد بودن شاخصه‌های کالبدی، واجد شرایط حاشیه‌نشینی هستند. مطالعات و مشاهدات صورت پذیرفته نشان می‌دهد محلات استخر عینک، پاسکیاب و نخودچر با یکدیگر هم‌جوار و هم مرز بوده و همچنین جماران و استخر عینک نسبت به سایر محلات از وضعیت کالبدی ضعیف‌تری برخوردار هستند. از نظر وضعیت اقتصادی نیز، محله استخر عینک شرایط حادتری داشته و درصد زیادی از ساکنین محله بیکارند. شایان ذکر است از دیدگاه زیست‌محیطی، مرداب عینک و بافت بومی نخودچر و پاسکیاب حائز اهمیت بوده و حفظ و نگهداری از آن‌ها، امری ضروری به شمار می‌رود. در ادامه، خصوصیات کلی مرتبط با معیارهای اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، زیست‌محیطی و مدیریت شهری هر یک از محلات هدف براساس مشاهدات صورت پذیرفته و اطلاعات بدست آمده در جدول ۲ بیان شده است.

جدول ۲- پلان، تصاویر، خصوصیات کلی مناطق جماران، استخر عینک، پاسکیاب، نخودچر

نام	پلان محدوده مورد نظر	تصاویر محله	خصوصیات کلی مربوط به معیارهای اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، زیست‌محیطی و مدیریت شهری محلات
۱. عدم وجود سند مالکیت و خرید و فروش به صورت نسقی و ساز			
۲. بافت نامنظم و ارگانیک محله			
۳. وجود قطعات ساختمانی ریز			
۴. ساخته شدن قطعات توسط دانه و اویash			
۵. ناهمنگی قومی و اجتماعی			
۶. اسکلت بندي کم‌دoram يا			
۷. وجود زمین‌های زراعی بدون			
۸. وجود فضاهای باир به			
۹. عرض و کیفیت نامناسب			
۱۰. وجود پاتوق‌های ویژه ارادل			
۱۱. خود شخص یا بنا			
۱۲. میزان پائین رضایت از امنیت محله			
۱۳. وجود زمین‌های بسیار زیاد در فضاهای نامن			
۱۴. وجود زمین‌های زراعی بدون			
۱۵. سند مالکیت چسبیده به شهر و مستعد برای توسعه شهر			
۱۶. صورت پذیرفته است.			



این محله در قسمت جنوبی شهر رشت و در منطقه چهار، ناحیه ۶ واقع شده است.

نام	پلان محدوده موردنظر	تصاویر محله	خصوصیات کلی مربوط به معیارهای اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، زیستمحیطی و مدیریت شهری محلات
محله استخر عینک	این محله در قسمت غربی شهر رشت در منطقه چهار، نواحی ۴ و ۳ قرار دارد. (مرداب عینک در قسمت شمال آن قرار دارد).	 	<p>۱. عدم وجود سند مالکیت و خرید و فروش به صورت نسقی بافت</p> <p>۲. عدم قطعات ساختمانی روز ریزدانه</p> <p>۳. ساخته شدن قطعات توسط خود شخص یا بنا</p> <p>۴. اسکلت‌بندی کم‌دoram یا بی‌دoram محله قطعات</p> <p>۵. تغییر فرهنگ سکونت به علت بافت روستایی</p> <p>۶. وجود روابط همسایگی و خویشاوندی نسبتاً خوب بین ساکنین</p> <p>۷. عدم وجود سند مالکیت و خرید و فروش به صورت نسقی شهری در ساخت و ساز در این منطقه</p> <p>۸. تراکم بالای جمعیت محله</p> <p>۹. ناهمگنی قومی و اجتماعی خود شخص یا بنا</p> <p>۱۰. اسکلت‌بندی کم‌دoram یا بی‌دoram محله قطعات</p> <p>۱۱. میزان پائین رضایت از امنیت شهری</p> <p>۱۲. عدم نظارت مناسب مدیریت شهری در ساخت و ساز در این منطقه</p> <p>۱۳. تراکم بالای جمعیت محله</p> <p>۱۴. کمبود امکانات و تجهیزات شهری</p> <p>۱۵. وجود تعداد زیاد زمین‌های کشاورزی در این منطقه در اواباش</p> <p>۱۶. کمبود امکانات فرهنگی و آموزشی در این زمین‌ها</p>
محله پاسکیار	این محله در قسمت غربی رودخانه گوهر رود شهر رشت در منطقه چهار، ناحیه ۱ قرار دارد.	 	<p>۱. عدم وجود سند مالکیت و خرید و فروش به صورت نسقی بافت</p> <p>۲. تراکم بالای جمعیت محله</p> <p>۳. ناهمگنی قومی و اجتماعی خود شخص یا بنا</p> <p>۴. میزان پائین رضایت از امنیت شهری</p> <p>۵. کمبود امکانات و تجهیزات شهری</p> <p>۶. عدم نظارت مناسب مدیریت شهری در ساخت و ساز در این منطقه</p> <p>۷. تراکم بالای جمعیت محله</p> <p>۸. وجود پاتوق‌های ویژه اراذل و اواباش</p> <p>۹. کمبود امکانات فرهنگی و آموزشی در این زمین‌ها</p> <p>۱۰. وجود زمین‌های کشاورزی در این منطقه در اواباش</p> <p>۱۱. تراکم بالای جمعیت محله</p> <p>۱۲. افزایش تراکم جمعیتی محله مرکز شهر و قیمت بسیار پایین مشارکتی در میان اهالی منطقه نسبت به سایر مناطق</p> <p>۱۳. عدم سایقه فعالیتهای خانواده‌های کم‌توان برای زیر بنایی</p> <p>۱۴. عدم برخورداری از تسهیلات سکونت در محله‌های با ارزش اقتصادی پائین</p> <p>۱۵. عدم وجود سند مالکیت و خرید و فروش به صورت نسقی گذشته و ساخت و ساز غیر مجاز در این زمین‌ها</p> <p>۱۶. دارا بودن بیشترین فاصله از مرکز شهر و قیمت بسیار پایین</p>
محله نزدیک	این محله در قسمت غربی شهر رشت در منطقه چهار، نواحی ۱ و ۲ واقع شده است. (گوهر رود در قسمت غربی آن واقع شده است).	 	<p>۱. عدم وجود سند مالکیت و خرید و فروش به صورت نسقی بافت</p> <p>۲. وجود پاتوق‌های ویژه اراذل و اواباش</p> <p>۳. افزایش تراکم جمعیتی محله مرکز شهر و قیمت بسیار پایین مشارکتی در میان اهالی منطقه نسبت به سایر مناطق</p> <p>۴. عدم مسکن و تمایل خانواده‌های کم‌توان برای زیر بنایی</p> <p>۵. سکونت در محله‌های با ارزش اقتصادی پائین</p> <p>۶. عدم وجود سند مالکیت و خرید و فروش به صورت نسقی گذشته و ساخت و ساز غیر مجاز در این زمین‌ها</p> <p>۷. دارا بودن بیشترین فاصله از مرکز شهر و قیمت بسیار پایین</p> <p>۸. عدم سایقه فعالیتهای خانواده‌های کم‌توان برای زیر بنایی</p> <p>۹. عدم برخورداری از تسهیلات سکونت در محله‌های با ارزش اقتصادی پائین</p>

نام	پلان محدوده مورد نظر	تصاویر محله	خصوصیات کلی مربوط به معیارهای اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، زیست محیطی و مدیریت شهری محلات
۱۱. اسکلت بندی کم دوام یا شهروی در ساخت و ساز در این منطقه	عدم نظارت مناسب مدیریت	عمر	۶. عدم نظارت مناسب مدیریت
۱۲. قطعات درشت دانه، معابر	بی دوام قطعات	۷. قطعات درشت دانه، معابر	نسبتاً عریض، وجود فضاهای باز مناسب داخل قطعات
۱۳. دارای باتفاقی روستایی و ارگانیک	منطقه	۸. مناطق	نسبتاً عریض، وجود فضاهای باز مناسب داخل قطعات

## روش تحقیق

پژوهش حاضر پیرامون مسئله سکونتگاه‌های غیررسمی و چگونگی ایجاد و گسترش آن‌ها در ۴ منطقه جماران با جمعیت ۱۲۲۰۰ نفر، استخر عینک با جمعیت ۲۴۳۰۰ نفر، پاسکیاب با جمعیت ۱۳۰۰۰ نفر و نخودچر با جمعیت ۱۵۳۰۰ نفر در شهر رشت صورت پذیرفته است.<sup>۱۱</sup>. رویکرد پژوهش حاضر، ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی است؛ روش پژوهش در این مقاله توصیفی-تحلیلی از نوع نمونه موردنی است که با بررسی مستندات و پژوهش‌های برجسته در زمینه مورد مطالعه انجام گردیده است.

مرحله مطالعات میدانی: این پژوهش جهت جمع‌آوری اطلاعات و دستیابی به پاسخ سوال تحقیق مبنی بر «معیارهای اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی، کالبدی و قانونی، مدیریت شهری و زیست محیطی چگونه منجر به شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی شهر رشت می‌شود؟ و در پی آن ساختار کالبدی این مناطق دستخوش چه تغییراتی می‌گردد و چگونه گسترش می‌بادد؟» اقدام به جمع‌آوری سیستماتیک اطلاعات با استفاده از روش اسنادی و مطالعات میدانی نموده است. همچنین در روند مطالعات میدانی، مشاهده و بازدید از ۴ منطقه مورد نظر، عکسبرداری، بررسی نقشه‌های کاربری اراضی و مطابقت با وضع موجود صورت پذیرفته است تا با پیمایش میدانی مناطق، اطلاعات کتابخانه‌ای تکمیل گردد. روش پیمایشی، نوعی روش برای جمع‌آوری داده‌های از افراد در خواست می‌گردد تا به تعدادی از سوال‌های خاص پاسخ دهدن. محقق در این نوع تحقیق، پرسش‌هایی به شیوه‌های متفاوت (اصحابه، پرسشنامه، تلفنی و...) از گروه بزرگی از مردم در ارتباط با یک موضوع یا عنوان مطرح می‌نماید. جامعه آماری در این تحقیق، که گروه‌های سنی و جنسی مختلف ساکن در چهار منطقه حاشیه‌نشین جماران، پاسکیاب، نخودچر و عینک را شامل می‌شود براساس فرمول کوکران ۳۸۴ عدد محاسبه شده و برای تایید پرسشنامه از خبرگان شهر رشت استفاده شده است. افراد پرسش شونده در محلات علاوه بر ساکن بودن، کاربران فضای نیز بوده و به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند. در جدول ۳ تعداد پرسشنامه‌های توزیع شده در محلات مورد مطالعه، درج شده است.

مطالعات پیش‌نهادی هفت‌شنبه بازدهی پیش‌نهادی و پنجمین مساله بازدهی پنجمین

جدول ۳- تعداد پرسشنامه توزیع شده در هر محله

ردیف	نام محله	تعداد پرسشنامه
۱	جماران	۹۶
۲	پاسکیاب	۹۶
۳	نخودچر	۹۶
۴	عینک	۹۶

جدول ۴- روایی و پایایی شاخص‌های پرسشنامه

ردیف	شاخص	α	AVE
۱	اجتماعی- فرهنگی	۰/۷۹۱	۰/۶۹۸
۲	اقتصادی	۰/۷۵۱	۰/۷۰۱
۳	کالبدی و قانونی	۰/۷۶۴	۰/۶۷۰
۴	مدیریت شهری	۰/۸۲۴	۰/۷۷۳
۵	زیست محیطی	۰/۸۰۱	۰/۷۲۱

پرسشنامه‌ی تدوین شده حاوی دو بخش سوالات عمومی شامل ۵ سوال و سوالات تخصصی شامل ۳ سوال در پنج قسمت (سوالات مربوط به معیارهای اجتماعی- فرهنگی، معیارهای اقتصادی، معیارهای کالبدی و قانونی، معیارهای مدیریت شهری و معیارهای زیست محیطی) بوده و داده‌های کمی حاصل از ۳۸۴ عدد پرسشنامه در طیف لیکرت ۵ تایی بر اساس روش عاملی اکتشافی تحلیل شده است. این روش به منظور بررسی همبستگی درونی میان گویه‌های متعدد این مطالعه و نیل به دسته‌بندی آن در قالب عامل‌های کلی محدود شده، انتخاب شده است. همچنین یافته‌های بدست آمده از طریق آزمون (KMO) و آزمون بارتلت اعتبارسنجی شده‌اند. در جدول ۴ پایایی شاخص‌های پژوهش و روایی آن‌ها بیان شده است.

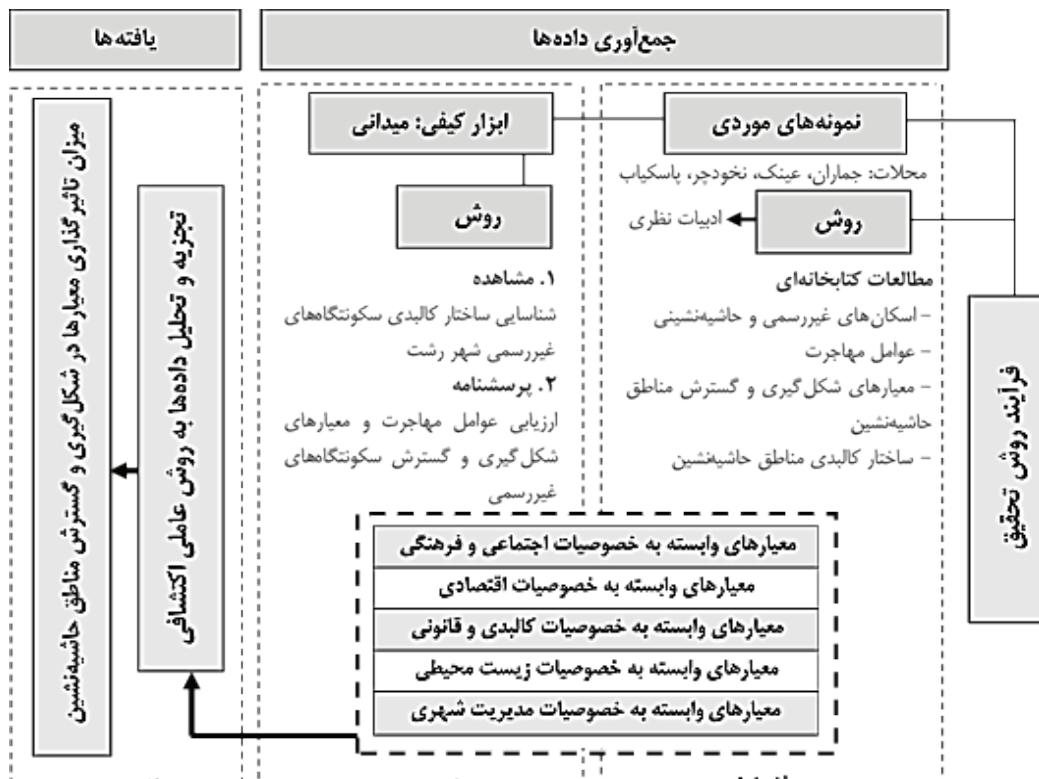
- نحوه تحلیل اطلاعات و آزمون های مورد استفاده: پس از گردآوری اطلاعات و اسناد مربوطه، از همپیوندی مبانی نظری مرتبط با این حوزه، معیارهای شکل‌گیری و گسترش مناطق حاشیه‌نشین در پنج دسته معیارهای وابسته به خصوصیات اجتماعی و فرهنگی، معیارهای وابسته به خصوصیات اقتصادی، معیارهای وابسته به خصوصیات کالبدی و قانونی، معیارهای وابسته به خصوصیات مدیریت شهری و معیارهای وابسته به خصوصیات زیستمحیطی بسته آمده است. جدول ۵، به بیان شاخص‌ها و گویه‌های کلی مورد استفاده در پرسشنامه پژوهش حاضر می‌پردازد.

جدول ۵- شاخص‌ها و گویه‌های کلی مورد استفاده در پرسشنامه پژوهش

شاخص	گویه‌ها
۱ است؟	حضور همسه‌ریان و یا خویشاوندان افراد ساکن در این مناطق، تا چه میزان در انتخاب این منطقه برای سکونت‌شان، تاثیرگذار بوده
۲	میزان ارتباط ساکنین این مناطق را با خویشاوندان و همسایگانشان چگونه ارزیابی می‌کنید؟
۳	میزان تعلق خاطر افراد ساکن در این مناطق به محل زندگی‌شان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
۴	از نظر شما آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد، جرم ... در این مناطق تا چه میزان امکان توسعه حاشیه‌نشینی را فراهم می‌نماید؟
۵	فقدان عدالت اجتماعی در جامعه تا چه میزان در گسترش مناطق حاشیه‌نشین در رشت تاثیرگذار بوده است؟
۶	فقدان خدمات جمعی و رفاهی را تا چه میزان در گسترش و یا ایجاد حاشیه‌نشینی موثر می‌دانید؟
۷	کمبود پارک‌ها و قرارگاه‌های عمومی و جمعی (مکانی برای تعاملات اجتماعی و فعالیت‌های گروهی) را تا چه اندازه در توسعه حاشیه‌نشینی موثر می‌دانید؟
۸	فقدان درآمدهای ثابت تا چه میزان در توسعه حاشیه‌نشینی تاثیر داشته است؟
۹	تجمیع افراد کم‌درآمد در این منطقه تا چه حد در گسترش حاشیه‌نشینی موثر است؟
۱۰	مشاغل کاذب را تا چه اندازه در توسعه حاشیه‌نشینی موثر می‌دانید؟
۱۱	قیمت ارزان زمین (مسکن) تا چه اندازه در توسعه حاشیه‌نشینی در این منطقه تاثیرگذار بوده است؟
۱۲	میزان اجاره بهای پایین تا چه میزان در مهاجرت و در پی آن سکونت افراد در این منطقه تاثیرگذار است؟
۱۳	قرار گرفتن در ورودی‌های اصلی شهر، تا چه اندازه در انتخاب افراد برای مهاجرت و یا سکونت در این منطقه تاثیرگذار است؟
۱۴	استفاده از اراضی نامرغوب و زمین‌های زراعی جهت ساختمان سازی در سکونتگاه‌های غیررسمی را تا چه اندازه در گسترش حاشیه‌نشینی موثر می‌دانید؟
۱۵	برنامه‌بری‌های دولتی (در قالب طرح‌های فرادست) و الحاق روستاهای کوچک به شهرها تا چه میزان منجر به شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی می‌گردد؟
۱۶	پیاده کردن طرح تجمیع (ادغام زمین‌های کوچک) تا چه اندازه در گسترش و توسعه حاشیه‌نشینی موثر بوده است؟
۱۷	ساخت و سازهای غیرمجاز در این مناطق، تا چه میزان در گسترش مناطق حاشیه‌نشین رشد موثر است؟
۱۸	خرید و فروش خانه‌ها به صورت سقی و بدون سند مالکیت تا چه میزان در گسترش حاشیه‌نشینی تاثیرگذار است؟
۱۹	ساخت خانه‌ها و تکمیل نمودن آن‌ها طی چندین مرحله تا چه اندازه در مهاجرت به این مناطق و گسترش حاشیه‌نشینی تاثیرگذار است؟
۲۰	توسعه زمین‌های سوخته در حاشیه شهرها تا چه اندازه در رشد حاشیه‌نشینی موثر بوده است؟
۲۱	توسعه کارگاه‌های صنعتی در حاشیه شهرها تا چه اندازه در رشد حاشیه‌نشینی موثر بوده است؟
۲۲	مشاغل غیررسمی و مزاحم تا چه اندازه در توسعه حاشیه‌نشینی تاثیرگذار است؟
۲۳	وجود شبکه‌های تاسیساتی و همچنین کشیده شدن راه‌های هموار و در دسترس در دل زمین‌های کشاورزی تا چه میزان بستر را برای دامن زدن به توسعه حاشیه‌نشینی فراهم می‌کند؟
۲۴	فقدان مدیریت یکپارچه شهری تا چه میزان در توسعه مناطق حاشیه‌نشین در رشت تاثیرگذار بوده است؟
۲۵	از نظر شما وجود دستگاه‌های متعدد جهت تصمیم‌گیری تا چه میزان در گسترش و رشد حاشیه‌نشینی موثر است؟
۲۶	مدیریت‌های سیاسی و اعمال سلیقه‌گرایی تا چه میزان در گسترش حاشیه‌نشینی تاثیرگذار است؟
۲۷	واگذاری انشعابات (آب، برق، گاز) توسط دستگاه‌های متولی جهت ساخت و سازهای غیررسمی را تا چه اندازه در گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی موثر می‌دانید؟

شاخص	گویه‌ها
۲۸	طراحی و اجرای پروژه‌های بهسازی محیط، تامین فضاهای عمومی و قانونمند شدن ساخت و سازها در این مناطق، تا چه میزان در رشد بی رویه سکونتگاه‌های غیررسمی تاثیرگذار است؟
۲۹	فقدان عدالت زیست محیطی (ارتباط مناسب مابین بشر و کره زمین) تا چه اندازه در گسترش حاشیه‌نشینی در رشت تاثیرگذار بوده است؟
۳۰	نقش آلوگری هوا را تا چه میزان در ایجاد و گسترش حاشیه‌نشینی موثر می دانید؟
۳۱	سیستم نامناسب دفع فاضلاب شهری تا چه اندازه در گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی تاثیرگذار است؟
۳۲	بی توجهی متولیان نظارت بر ضوابط زیست محیطی در حاشیه تالابها و رودخانه‌ها، را تا چه اندازه در گسترش اسکان غیررسمی و بد مسکنی موثر می دانید؟
۳۳	عدم وجود برنامه و اجرای طرح‌های عام المنفعه در حاشیه رودخانه‌ها (با رعایت ضوابط زیست محیطی)، تا چه اندازه در توسعه سکونتگاه‌های غیررسمی تاثیرگذار است؟

در نهایت، با تدوین چارچوبی مفهومی و تحلیل آن در قالب پرسشنامه و تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش عاملی اکتشافی به همراه روش مشاهده به سوی نتیجه‌های کمی سوق یافته است. تصویر ۲ روش انجام کار و فرآیند روش تحقیق را نشان می‌دهد.



تصویر ۲- نمودار فرآیند روش تحقیق

## تحلیل یافته‌ها

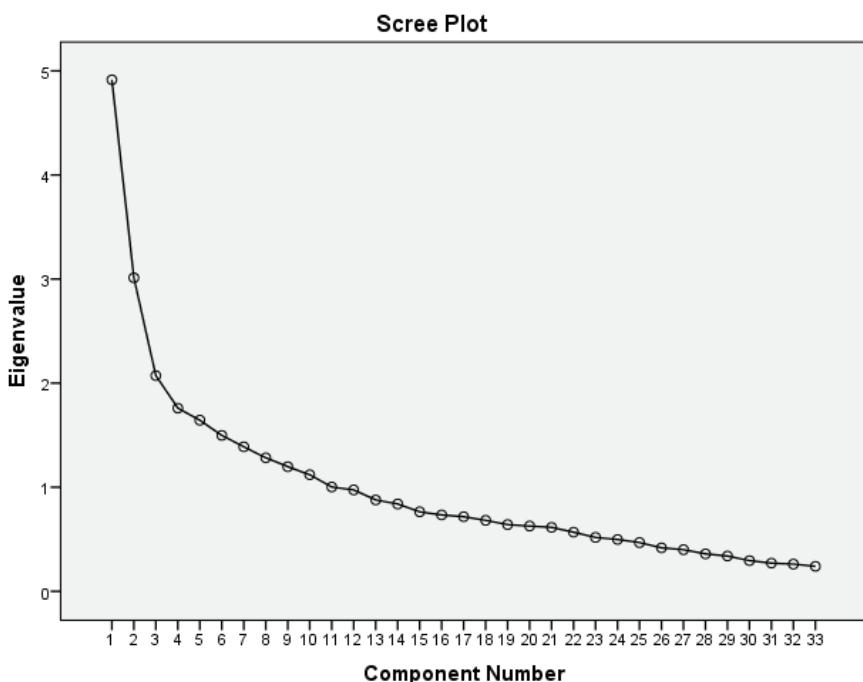
در ابتدا تعداد ۳۳ عامل (سوال) به عنوان شاخص‌های اولیه مؤثر بر شکل‌گیری و گسترش مناطق حاشیه‌نشین مورد شناسایی قرار گرفته است. از داده‌های گردآوری شده جهت شناسایی عوامل پنهان سکونتگاه‌های غیررسمی به منظور تحلیل عاملی اکتشافی که یکی از پیش‌شرط‌های انجام این آزمون است، مورد بررسی قرار گرفت. سطح معناداری برای انجام آزمون‌های بارتلت جهت بررسی داده‌ها طبق جدول ع برابر با ۰/۰۰۰ به دست آمد که از ۰/۰۵ کوچکتر است و نشان از مناسب بودن تحلیل عاملی اکتشافی برای شناسایی ساختار و مدل عاملی مناسب دارد و فرض شناخته شده بودن ماتریس همبستگی رد می‌گردد.

جدول ۶- آزمون بارتلت پرسشنامه

Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.	۰/۷۲۱
Approx. Chi-Square	۲۴۳۸/۶۲۰
Bartlett's Test of Sphericity	df ۵۲۸
	Sig. .000

در ادامه با توجه به جدول ۶، جهت بررسی روایی آزمون از تحلیل عاملی اکتشافی، استفاده شده است. همچنین به منظور استخراج عامل‌ها، روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی و برای دوران مؤلفه‌ها، روش دوران مایل ابیمین به کار گرفته شد. اندازه کفایت نمونه‌گیری (KMO) در پرسشنامه برابر با ۰/۷۲۱ است که در سطح ۰/۰۰۰ معنی‌دار بوده است. آزمون بارتلت با درجه آزادی ۵۲۸ در سطح معناداری ۰/۰۰۰ برابر با ۲۴۳۸/۶۲۰ به دست آمده است که به طور کلی در موارد بیان شده، امکان انجام تحلیل عاملی را برای عامل‌های پرسشنامه فراهم ساخته و دسته‌بندی گویه‌های پرسشنامه و ایجاد عامل‌های منطقی را تأیید می‌کند. طبق روش دوران مایل ابیمین و با توجه به ارزش‌های ویژه عامل‌های ذکر شده مستخرج در جدول ۶ می‌توان نتیجه گرفت که تعداد نمونه ۳۸۴ نفر در این پژوهش برای انجام تحلیل عاملی کفایت می‌کند.

در مرحله بعد برای تحلیل اکتشافی، ابتدا به تعیین مؤلفه‌های اصلی با تعیین مقادیر ویژه بزرگتر از ۱ برای هر مؤلفه و نیز میزان بار عاملی مورد قبول حداقل ۰/۵ پرداخته شده است. براساس نمودار اسکری (تصویر ۳)، عامل‌های مناسب برای استخراج هستند که در شبکه نمودار و بالای یک فاصله بین عامل‌ها قرار گیرند.



تصویر ۳- نمودار اسکری شاخص‌های استخراجی پرسشنامه پژوهش

براساس تصویر ۳، تحلیل عاملی با ساختار ۱ یا ۳۳ عامل، قابل توجیه است ولی به دلیل عدم تطابق بارهای عاملی، ساختار ۱۱ عامل از عوامل موجود در شکل فوق، مورد تأیید قرار گرفته است. نمودار اسکری تعداد عامل‌های استخراج شده را به صورت بصری نشان می‌دهد. با در نظر گرفتن مقدار ویژه ۱ در محور عمودی، می‌توان تعداد عامل‌های نهایی با چرخش واریمکس را مشخص نمود. همانطور که نمودار نشان می‌دهد با فرض مقدار ۱ روی محور عمودی، ۱۱ نقطه در بالای این محور فرضی قرار دارند. به منظور تأیید ساختار عاملی به دست آمده و آزمون معناداری سهم هر یک از متغیرها، در اندازه‌گیری عامل‌ها از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شده است. لذا در ادامه، مهم‌ترین پارامترهای اندازه‌گیری عامل‌ها در جدول ۷ بیان شده است.

جدول ۷- واریانس مؤلفه‌های استخراج شده تحلیل عاملی پرسشنامه

چرخش مجموع مربوطات بارها			مقدار ویژه			عملکردی استخراج شده
درصد واریانس تجمعی	درصد واریانس تبیین شده	مقدار ویژه	درصد واریانس تجمعی	درصد واریانس تبیین شده	مقدار ویژه	
7/972	7/972	2/631	14/894	14/894	4/915	۱
14/654	6/682	2/205	24/024	9/129	3/013	۲
20/921	6/267	2/068	30/303	6/280	2/072	۳
27/003	6/082	2/007	35/635	5/332	1/760	۴
32/719	5/716	1/886	40/617	4/982	1/644	۵
38/389	5/671	1/871	45/156	4/539	1/498	۶
43/634	5/245	1/731	49/364	4/208	1/389	۷
48/859	5/225	1/724	53.252	3/888	1/283	۸
53/864	5/005	1/652	56.881	3/628	1/197	۹
58/787	4/923	1/625	60/275	3/395	1/120	۱۰
63/313	4/525	1/493	63/313	3/037	1/002	۱۱
			66/265	2/952	0/974	۱۲
			68/926	2/661	0/878	۱۳
			71/468	2/542	0/839	۱۴
			73/782	2/314	0/764	۱۵
			76/005	2/223	0/734	۱۶
			78/177	2/172	0/717	۱۷
			80/244	2/067	0/682	۱۸
			82/187	1/943	0/641	۱۹
			84/088	1/901	0/627	۲۰
			85/950	1/862	0/614	۲۱
			87/671	1/721	0/568	۲۲
			89/240	1/569	0/518	۲۳
			90/749	1/509	0/498	۲۴
			92/168	1/419	0/468	۲۵
			93/434	1/266	0/418	۲۶
			94/647	1/213	0/400	۲۷
			95/738	1/091	0/360	۲۸
			96/766	1/028	0/339	۲۹
			97/660	0/894	0/295	۳۰
			98/482	0/822	0/271	۳۱
			99/273	0/792	0/261	۳۲
			100/000	0/727	0/240	۳۳

نتایج اولیه تحلیل عاملی که بر روی کل سوال‌ها انجام گرفت متنج به استخراج ۳۳ عامل با مقدار ویژه بالاتر از یک شده است. این ۳۳ عامل به طور کلی میان ۱۰۰ درصد از واریانس کل پرسشنامه است. پس از این، به منظور دستیابی به ساختار ساده‌تر، از روش چرخش واریماکس استفاده شده است. در ادامه مقدار اشتراک هر کدام از سوال‌ها مشخص شد و برخی از سوال‌هایی که اشتراک پایین‌تر از ۰/۵ و همسانی درونی است.

پایین‌تر از ۴/۰ داشتند، حذف گردید. پس از حذف، مجدداً چرخش واریماکس و چرخش ایلیمین صورت پذیرفت. تحلیل عاملی با استفاده از دو چرخش ذکر شده نتایج بسیار مشابهی را رقم زد که نتایج استخراج بعد از چرخش، در جدول ۷ نمایش داده شده است. تحلیل عاملی نهایی به استخراج ۲۲ عامل منتج گردید؛ که این عامل‌ها در مجموع ۶۳ درصد از واریانس کل پرسشنامه را بیان می‌کند. با بررسی‌های صورت پذیرفته در باب تحلیل عاملی اکتشافی به منظور اولویت‌بندی عامل‌های مورد سوال پژوهش در جدول ۷، می‌توان مشخص نمود کدام یک از عوامل براساس مقدار واریانس مورد نظر، دارای اولویت بیشتری در تبیین عوامل شکل‌گیری و گسترش مناطق حاشیه‌نشین شهر رشت دارند. به طور کلی، با توجه به میزان واریانس‌های استخراج شده از جدول ۷، نشان می‌دهد که ۱۱ مولفه ۶۳/۳۱ درصد از واریانس کلی را تبیین می‌کنند.

جدول ۸- ماتریس دورانی عوامل پرسشنامه

ردیف	گویه‌ها	اجتماعی و فرهنگی	اقتصادی	کالبدی و قانونی	مدیریت شهری	زیست محیطی
۱	حضور همشهریان و یا خویشاوندان افراد ساکن در این مناطق، تا چه میزان در انتخاب این منطقه برای سکونت‌شان، تاثیرگذار بوده است؟					
۲	میزان ارتباط ساکنین این مناطق را با خویشاوندان و همسایگانشان چگونه ارزیابی می‌کنید؟					
۳	فقدان عدالت اجتماعی در جامعه تا چه میزان در گسترش مناطق حاشیه‌نشین در رشت تاثیرگذار بوده است؟					
۴	قیمت ارزان زمین (مسکن) تا چه اندازه در توسعه حاشیه‌نشینی در این مناطق تاثیرگذار بوده است؟					
۵	میزان اجاره‌بهای پایین تا چه میزان در مهاجرت و در پی آن سکونت افراد در این منطقه تاثیرگذار است؟					
۶	خرید و فروش خانه‌ها به صورت نسقی و بدون سند مالکیت تا چه میزان در گسترش حاشیه‌نشینی تاثیرگذار است؟					
۷	توسعه زمین‌های سوخته در حاشیه شهرها تا چه اندازه در رشد حاشیه‌نشینی موثر بوده است؟					
۸	طراحی و اجرای پروژه‌های بهسازی محیط، تامین فضاهای عمومی و قانونمند شدن ساخت و سازها در این مناطق، تا چه میزان در رشد بی‌رویه سکونتگاه‌های غیررسمی تاثیرگذار است؟					
۹	نقش آلودگی هوا را تا چه میزان در ایجاد و گسترش حاشیه‌نشینی موثر می‌دانید؟					
۱۰	بی توجهی متولیان نظارت بر ضوابط زیست‌محیطی در حاشیه تالاب‌ها و رودخانه‌ها، را تا چه اندازه در گسترش اسکان غیررسمی و بدمسکنی موثر می‌دانید؟					
۱۱	عدم وجود برنامه و اجرای طرح‌های عام‌المنفعه در حاشیه رودخانه‌ها (با رعایت ضوابط زیست‌محیطی)، تا چه اندازه در توسعه سکونتگاه‌های غیررسمی تاثیرگذار است؟					

در جدول ۸، بارهای عاملی هر کدام از سوال‌های پرسشنامه پژوهش بر روی ۱۱ عامل استخراج شده، مشخص شده است. بارهای عاملی بالای ۰/۵ و بیشتر جهت اختصاص هر سوال به یک مؤلفه در نظر گرفته شده که از ۳۳ عامل، ساختار ۱۱ عامل با بار عاملی بالاتر از ۰/۵ مورد تأیید قرار گرفته است.

براساس جدول ۸، حضور همسه‌ریان و یا خویشاوندان افراد ساکن در مناطق حاشیه‌نشین با بارعاملی ۸۶۱/۰ درصد، میزان ارتباط ساکنین مناطق حاشیه‌نشین با خویشاوندان و همسایگانشان با بارعاملی ۸۳۸/۰ درصد، تأثیر فقدان عدالت اجتماعی در جامعه بر گسترش مناطق حاشیه‌نشین در رشت با بارعاملی ۸۱۵/۰ درصد از متغیرهای تشکیل دهنده این عامل است. گویه‌های ذکر شده در قالب معیار اجتماعی و فرهنگی طبق جدول ۷، به تنهایی ۳۰/۳ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کنند، به بیان ساده‌تر ۳۰/۳ درصد از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و گسترش مناطق حاشیه‌نشین در شهر رشت مربوط به معیارهای «اجتماعی و فرهنگی» است.

همانگونه که جداول ۷ و ۸ نشان می‌دهد، معیارهای «اقتصادی» ۱۹/۰۶ درصد از عوامل تاثیرگزار بر شکل‌گیری و گسترش مناطق حاشیه‌نشین را دربر می‌گیرد. قیمت ارزان زمین (مسکن) در توسعه حاشیه‌نشینی با بارعاملی ۷۱۹/۰ درصد و میزان اجاره بهای پایین و در پی آن مهاجرت و سکونت افراد در مناطق حاشیه‌نشین با بارعاملی ۷۴۳/۰ درصد تأثیرگذار هستند.

معیارهای «کالبدی و قانونی» با واریانس ۱۰/۹۱ درصد شامل عوامل خرید و فروش خانه‌ها به صورت نسقی و بدون سند مالکیت با بارعاملی ۷۳۳/۰ درصد و توسعه زمین‌های سوخته در حاشیه شهرها با بارعاملی ۷۱۰/۰ به عنوان سومین معیار مؤثر بر گسترش و شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی شناخته می‌شود.

معیار «مدیریت شهری» به عنوان یکی دیگر از معیارهای تاثیرگزار با ۳۰/۳۷ درصد از واریانس کل با عامل طراحی و اجرای پروژه‌های بهسازی محیط، تامین فضاهای عمومی و قانونمند شدن ساخت و سازها در مناطق حاشیه‌نشین با بارعاملی ۷۶۵/۰ درصد تأثیر مستقیمی بر شکل‌گیری و گسترش مناطق حاشیه‌نشین در شهر رشت دارد. به عبارت دیگر، ۳۰/۳۷ درصد از شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین مربوط به معیارهای مدیریت شهری است. در نهایت معیارهای «زیستمحیطی» ۱۰/۴۶ درصد از واریانس کل را در بر می‌گیرد. عوامل نقش آلوودگی هوا در ایجاد و گسترش حاشیه‌نشینی با بارعاملی ۷۶۲/۰ درصد، بی‌توجهی متولیان نظارت بر ضوابط زیستمحیطی در حاشیه تالاب‌ها و رودخانه‌ها با بارعاملی ۸۱۹/۰ درصد و عدم وجود برنامه و اجرای طرح‌های عام المنفعه در حاشیه رودخانه‌ها (با رعایت ضوابط زیستمحیطی) با بارعاملی ۸۴۸/۰ درصد بر شکل‌گیری و گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی در شهر رشت تأثیرگذار بوده است.

جدول ۹- ماتریس همبستگی بین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و گسترش مناطق حاشیه‌نشین شهر رشت

شاخص‌ها	اجتماعی و فرهنگی	اقتصادی	کالبدی و قانونی	زیستمحیطی
اجتماعی- فرهنگی	۱	۰/۵۵۹	۰/۲۳۹	۰/۱۴۱
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
اقتصادی	۱	۰/۵۵۹	۰/۶۹۹	۰/۳۷۸
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
کالبدی و قانونی	۰/۲۳۹	۰/۶۹۹	۱	۰/۴۹۱
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
مدیریت شهری	۰/۱۴۱	۰/۳۷۸	۰/۴۹۱	۱
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
زیستمحیطی	۰/۴۷۷	۰/۵۵۹	۰/۵۶۹	۰/۵۹۳
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱

از آزمون همبستگی برای بررسی رابطه بین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و گسترش مناطق حاشیه‌نشین استفاده می‌شود. بررسی ضریب همبستگی مابین متغیرهای شکل‌گیری و گسترش مناطق حاشیه‌نشین، رابطه معنادار بین متغیرهای بازبینی شده را تبیین می‌نماید. لذا لازم به ذکر است که ضرایب همبستگی بدست آمده در جدول ۹، نشان از رابطه‌ای مثبت و مطلوب بین متغیرهای شکل‌گیری و گسترش مناطق حاشیه‌نشین شهر رشت دارد. کمترین میزان همبستگی با متغیر اجتماعی و فرهنگی، به ترتیب مولفه‌های مدیریت شهری و کالبدی و قانونی است؛ این میزان نشان می‌دهد پیش‌بینی این پژوهش در ارتباط با متغیرهای مدیریت شهری و کالبدی-قانونی پیش‌بینی مردم‌محور و محلی نبوده و مردم خود را در این امر دخیل نمی‌دانند. علاوه بر این، همبستگی بالای بین متغیر اجتماعی- فرهنگی با متغیرهای اقتصادی و

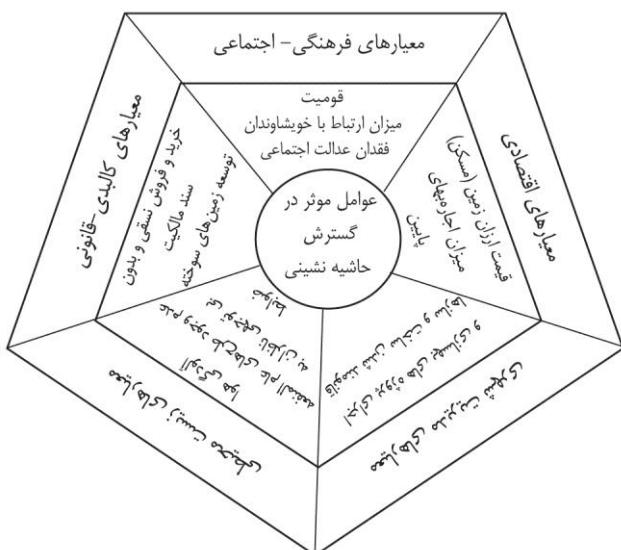
زیستمحیطی نشان دهنده این مهم است که به منظور کاهش حاشیه‌نشینی در ارتباط با حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی می‌باشد از لحاظ زیستمحیطی و اقتصادی به اسکان‌های غیررسمی توجه نمود. بررسی میزان همبستگی متغیر اقتصادی با متغیرهای کالبدی-قانونی، مدیریت شهری و زیستمحیطی نشان می‌دهد به ترتیب مقدار همبستگی  $0/699$  درصد،  $0/378$  درصد و  $0/502$  درصد تأثیر مستقیم و در سطح اطمینان  $99$  درصد معنی دار است. به عبارت دیگر، هر چه میزان متغیر اقتصادی افزایش یابد، میزان متغیر کالبدی-قانونی در شکل‌گیری و گسترش مناطق حاشیه‌نشین شهر رشت افزایش می‌یابد؛ همچنین این همبستگی نشان از تأثیرگذاری متغیر اقتصادی بر متغیر کالبدی و قانونی مناطق حاشیه‌نشین دارد؛ بدین ترتیب با سیاست‌گذاری مناسب در حیطه متغیر اقتصادی می‌توان مدیریت‌های محلی و قانونی و کالبدی مناسب با کارکردها و پیامدهای مثبت را ارتقاء بخشیده و در کاهش شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین شهر رشت نقش محوری ایفا نماید. بررسی مابین متغیر کالبدی-قانونی با زیستمحیطی و مدیریت شهری نشان می‌دهد همبستگی متغیر زیستمحیطی  $0/569$  و همبستگی مدیریت شهری  $(0/491)$  در سطح اطمینان  $99$  درصد معنی دار است. به عبارت دیگر هر چه میزان متغیر کالبدی-قانونی افزایش پیدا کند، متغیرهای زیستمحیطی و مدیریت شهری کاهش می‌یابند. همچنین این همبستگی تأثیرگذاری مستقیم متغیر کالبدی-قانونی بر متغیرهای زیستمحیطی و مدیریت شهری را نشان می‌دهد که سبب شکل‌گیری و گسترش مناطق حاشیه‌نشین شهر رشت می‌شود. از این‌رو، می‌توان با سیاست‌های قانونی و کالبدی وضع شده در سطح محلی و کلان، مسؤولان مدیریت شهری را ترغیب به اصلاح قوانین در راستای ارتقاء زیستمحیطی مناطق حاشیه‌نشین شهر رشت نمود. در نهایت، بررسی میزان همبستگی متغیر مدیریت شهری با متغیر زیستمحیطی نشان می‌دهد که همبستگی  $0/593$  مطلوب و مستقیم برقرار است. هرچه میزان متغیر مدیریت شهری افزایش یابد؛ متغیر زیستمحیطی هم به همان میزان افزایش می‌یابد. به طوری که درصد از عوامل زیستمحیطی که سبب شکل‌گیری و گسترش مناطق حاشیه‌نشین در شهر رشت شده‌اند با مدیریت شهری مرتبط هستند؛ به همین منظور برای کاهش تغییرات بیان شده مرتبط با عوامل زیستمحیطی باید عوامل مرتبط با مدیریت شهری ارتقاء یابند.

بحث و نتیجه‌گیری

با نگاهی به پژوهش‌های پیشین در حوزه سکونتگاه‌های غیررسمی مشاهده می‌شود جنس و شکل حاشیه‌نشینی در هر منطقه‌ای متفاوت با مناطق دیگر است. لذا ساختهای دخیل در پیدایش و گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی، با توجه به موقعیت جغرافیایی و ویژگی‌های خاص منطقه‌ای قابل تعمیم به کلیه سکونتگاه‌های غیررسمی نیست و می‌تواند اولویت‌بندی بسیار متفاوتی با یکیگر داشته باشد. لیکن علیرغم نتایج مطلوب بدست آمده در مطالعات گذشته، همچنان تعارضاتی در مورد علل پیدایش سکونتگاه‌های غیررسمی و گسترش آن‌ها وجود دارد که پژوهش حاضر به واکاوی و شناخت آن‌ها در کلانشهر رشت پرداخته است. براساس یافته‌های تحقیق، سهم معیارهای اجتماعی و فرهنگی در شکل‌گیری و گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی، یک سوم واریانس کل است. معیارهای اجتماعی و فرهنگی با متغیرهای قومیت، میزان

ارتباط ساکنین این مناطق با خویشاوندان و فقدان عدالت اجتماعی مهم ترین معیار تاثیرگزار در شکل‌گیری این مناطق به حساب می‌آید. پس از معیارهای اجتماعی و فرهنگی، معیارهای اقتصادی بعنوان دومین عامل تاثیرگزار در شکل‌گیری مناطق غیررسمی و گسترش آن محسوس می‌شود. توجه به درصد بار عاملی عواملی همچون قیمت ارزان زمین (مسکن) و میزان اجاره‌بهای پایین، نشان می‌دهد این عوامل به ترتیب مهم ترین گویه‌های مرتبط با معیار اقتصادی هستند. معیارهای كالبدی و قانونی پس از معیارهای اقتصادی با فاکتورهایی چون خرید و فروش خانه‌ها به صورت نسبتی و بدون سند مالکیت و توسعه زمین‌های سوخته در حاشیه این مناطق تأثیر مستقیمی بر گسترش، و شکا، گبری، سکونتگاههای غیررسمی، دارد.

پس از آن معیارهای زیستمحیطی با عواملی همچون نقش آلودگی هوا در ایجاد و گسترش حاشیهنشینی، بی توجهی متولیان



تصویر ۴- نمودار عوامل موثر در شکل‌گیری و گسترش مناطق حاشیه‌نشین

نظرارت بر ضوابط زیستمحیطی در حاشیه تالابها و رودخانهها و عدم وجود برنامه و اجرای طرح‌های عام‌المنفعه در حاشیه رودخانه‌ها به ترتیب در شکل گیری و گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی در شهر رشت مؤثر بوده‌اند. در نهایت معیارهای مدیریت شهری با عامل طراحی و اجرای پروژه‌های بهسازی محیط، تامین فضاهای عمومی و قانونمند شدن ساخت و سازها در مناطق حاشیه‌نشین کم‌ترین تأثیر را بر شکل گیری و گسترش مناطق حاشیه‌نشین در شهر رشت دارد. بدین ترتیب معیارهای ذکر شده ارتباطی همه جانبه با یکدیگر داشته و در واقع ماهیت شکل‌گیری فضای این سکونتگاه‌ها، بر این ابعاد متکی است.

## پی‌نوشت

- ۱- اداره کل راه و شهرسازی استان گیلان، طرح تفصیلی رشت (منطقه ۴ رشت)، دی ماه ۱۳۹۴
- ۲- تئولیرالیسم، نظریه‌ای است در مورد شیوه‌هایی در اقتصاد سیاسی، که بر اساس آن‌ها با گشودن راه برای تحقق آزادی‌های کارآفرینانه و مهارت‌های فردی در چهارچوبی نهادی که ویژگی آن حقوق مالکیت خصوصی قدرتمند، بازارهای آزاد و تجارت آزاد است، می‌توان رفاه و بهروزی انسان را افزایش داد.
- ۳- Simon Chapman
- ۴- آلونک‌های امید: سکونتگاه‌هایی بودند که روند بهبود و ارتقاء را پیش روی خود داشتند.
- ۵- آلونک‌های یاس: سکونتگاه‌هایی بودند که با روند نزولی، چشم‌انداز روشی از ارتقاء و بهبود را نشان نمی‌دادند.
- ۶- مسکن خودیار: این اصطلاح برای توصیف تلاش‌های فردی و همینطور برای توصیف تلاش‌های جمعی برای تکمیل تدریجی خانه و یا شهرک‌های موجود و نیز ساخت و ساز کامل یک خانه مطرح می‌شود.
- ۷- فرهنگ فقر: این مفهوم را اولین بار اسکار لوئیس به صورت مبسوط و در نتیجه تحقیقات میدانی اش مطرح کرد. شاید کوتاه‌ترین تشریحی که از این مفهوم می‌توان کرد این است که «فقر فقر خود را به صورت خودآگاهانه ستایش نمی‌کنند، بلکه به صورت ناآگاهانه آن را حفظ می‌کنند».
- ۸- Janice Perlman
- ۹- مدل مرکز-پیرامون: فریدمن این مدل ارتباطی را در سال ۱۹۶۶ با تأکید بر جنبه‌های فضایی و به عنوان دو میان مرحله از مراحل چهارگانه توسعه اقتصادی-فضایی معرفی کرد. در نظریه فریدمن، مرکز به مثابه کانون قدرت، هدایت و سلطه، محل تجمع و تمرکز آراء و اندیشه‌ها، پیشرفت علمی و فناوری، سرمایه و نیز کانون توسعه به شمار می‌آید و در مقابل، پیرامون، به مثابه فراهم‌کننده منابع تأمین نیازهای مرکز، جایگاهی کاملاً وابسته دارد.
- ۱۰- Michael Todaro

## منابع

- آنارادنژاد، ر.ب.، ملکشاهی، غ. محمدی، ع. (۱۳۹۳). ارزیابی نقش سکونتگاه‌های غیررسمی در گسیختگی فضایی ساختار شهری (مطالعه موردی: شهر گنبد کاووس)، *فصلنامه علمی پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی*، ۴(۴)، ۶۵-۸۶.
- اسماعیلی، ر.، امیدی، م. (۱۳۹۱). بررسی تجربه حاشیه‌نشینی از دیدگاه حاشیه‌نشینان: یک مطالعه پدیدارشناسانه، *مطالعات جامعه‌شناسنامه شهری (مطالعات شهری)*، ۲(۳)، ۱۷۹-۲۰۸.
- اشتیاقی، م. (۱۳۹۹). ارزشیابی واقع گرایانه سیاست‌ها و قوانین ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی در ایران. تهران: کتاب راهبرد.
- افراخته، ح.، حاجی‌پور، م. (۱۳۹۲). خوش شهری و پیامدهای آن در توسعه پایدار روستایی (مورد: روستاهای پیرامونی شهر بیرجند)، *فصلنامه جغرافیا*، ۱۱(۳۹)، ۱۵۸-۱۸۵.
- افراخته، ح.، حاجی‌پور، م. (۱۳۹۴). اقتصاد سیاسی فضا و تعادل منطقه‌ای. *فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، ۱۴(۴)، ۸۷-۱۱۰.
- امیری، م.، کمالی، ع. (۱۳۹۱). چالش‌های اقتصادی و اجتماعی اسکان غیررسمی برای مدیریت شهری (مطالعه موردی: شهر بندرعباس)، *نشریه هفت شهر*، ۳(۳۸ و ۳۷)، ۵۷-۷۳.
- ایراندوست، ک.، علیزاده، ه.، خسروانیان، ل.، و تولایی، ر. (۱۳۹۲). گونه‌شناسی سکونتگاه‌های غیررسمی در شهرهای ایران، *مطالعه تطبیقی شهرهای سنتنج و کرمانشاه*, *نشریه نامه معماری و شهرسازی*، ۱۰(۵)، ۹۱-۱۰۴.
- ایزدی، م.س. (۱۳۹۳). تحلیل تجارب گذشته-رویکرد کنونی دولت در بازارآفرینی پایدار محدوده‌ها و محله‌های هدف برنامه‌های بهسازی و نوسازی شهری، *نشریه هفت شهر*، ۴(۴۵ و ۴۶)، ۲-۵.

- بیک محمدی، ح. و حاتمی، م. (۱۳۹۰). تحلیلی جغرافیایی بر مشکلات طرح جامع شهر نجف آباد، فصلنامه جغرافیایی چشم انداز زاگرس، ۱۳۳-۱۵۵.
- پرلمن، ج. (۱۳۹۷). قاولا، چهار دهه زندگی بیمناک در سکونتگاه‌های غیررسمی ریودوزانیرو (ترجمه کیومرث ایران‌دشت و گلایول مکرونی). سندج: نشر دانشگاه کردستان.
- پورشیخیان، ع. و نظریان، ا. (۱۳۸۹). پیدایش منطقه کلان‌شهری و بازتاب فضایی آن، مطالعه موردی شهر رشت، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، ۷ (شماره ۳ (پیاپی ۲۷))، ۳۳-۵۱.
- پیران، پ. (۱۳۸۰). تحلیل جامعه‌شنختی از مسکن شهری در ایران: اسکان غیررسمی، مجله جامعه‌شناسی ایران، ۳(۶)، ۲۷-۴۸.
- پیران، پ. (۱۳۸۷). از اسکان غیررسمی تا اسکان نایابی؛ در جستجوی راه حل، نشریه هفت شهر، ۲۳(۲ و ۲۴)، ۱۴-۲۹.
- تودارو، م. (۱۳۹۰). توسعه اقتصادی در جهان سوم، (ترجمه غلامعلی فرجادی)، تهران: کوهسار.
- داداش‌پور، ه. علیزاده، ب. (۱۳۹۰). اسکان غیررسمی و امنیت تصرف زمین. تهران: آذرخش.
- ربانی خوارسگانی، ر.، وارثی، ح.، طاهری، ز. (۱۳۸۸). تحلیلی بر علل اصلی شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین در شهر اصفهان (نمونه موردی: منطقه ارزنان و دارک)، جغرافیا و توسعه، ۷ (پیاپی ۱۳)، ۹۳-۱۲۵.
- رستم‌زاده، ی. (۱۳۹۱). ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی در محلات شهری با بررسی نگرش ساکنین محلی؛ موردپژوهی: محله توحید، شهر بندعباس، نشریه مدیریت شهری، ۱۰(۲۹)، ۳۲۱-۳۳۶.
- رضایی، م. و کمانداری، م. (۱۳۹۳). بررسی و تحلیل علل شکل‌گیری حاشیه‌نشینی در شهر کرمان، نمونه مورد مطالعه: محلات سیدی و امام حسن، فصلنامه علمی و پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی، ۴(۴)، ۱۷۹-۱۹۶.
- زنگ‌آبادی، ع.، مبارکی، ا. (۱۳۹۱). بررسی عوامل موثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی شهر تبریز و پیامدهای آن؛ مطالعه موردی (محلات احمدآباد، کوی بهشتی، خلیل‌آباد)، مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، ۲۳(۱)، ۶۷-۸۰.
- سجادزاده، ح.، ایزدی، م.س.، حقی، م. (۱۳۹۶). رابطه پیکره‌بندی فضایی و امنیت محیطی در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر همدان، نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، ۲۲(۲)، ۱۹-۲۸.
- سجادزاده، ح.، صفری، م. (۱۳۹۴). ارتقاء کیفیت محیطی در سکونتگاه‌های غیررسمی با تأکید بر امنیت محیطی (نمونه موردی: محله منوچهری همدان)، مطالعات ساختار و کارکرد شهری، ۱۲(۳)، ۱۰۳-۱۴۶.
- سرور، ر. و روستا، م. (۱۳۹۳). اصول و مبانی توانمندسازی محلات هدف برنامه‌های نوسازی و بهسازی شهری (سکونتگاه‌های غیررسمی و بافت‌های فرسوده)، شهر ری: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- سلطانی، ش. و جعفری، غ. (۱۳۹۰). رودخانه‌ها و سواحل در آینه قانون، تهران: البرز فرداش.
- شیخی، م. و کاظمی‌صفت، آ. (۱۳۹۰). نقش مدیریت منطقه‌ای در نظارت و کنترل بر سکونتگاه‌های غیررسمی، نشریه حمل و نقل و توسعه، شماره ۵۲-۷۳.
- شیعه، ا.، حبیبی، ک.، کمالی‌نسب، ح. (۱۳۹۰). فرآیند شکل‌گیری و گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی (نمونه موردی: محله سهراپیه کرج)، نشریه مسکن و محیط روستا، ۳۰(۱۳۳)، ۳۹-۴۸.
- عزیزیان، م.ص.، قاسمی، ا. (۱۳۹۵). نگرشی بر بافت‌های فرسوده و سکونتگاه‌های غیررسمی مطالعه موردی (شهر سندج)، شبک، ۲(۶) (پیاپی ۱۳) (جلد ۴ مطالعات هنر و معماری)، ۲۹-۳۵.
- غلامحسینی، ا.، میرسندسی، س.م.، قنبرزادگان، خ. (۱۳۹۹). تاثیر مدیریت شهری بر احساس رضایتمندی شهروندان (مطالعه موردی محله حاشیه‌نشین خاک سفید «گلشن»، منطقه ۴ تهران)، فصلنامه مدیریت بحران و وضعیت‌های اضطراری، ۱۲(۳۸)، ۱۲۹-۱۵۱.
- قاسمی، ا.، عبدالهی، ز. و محمدزاده، ا. (۱۳۹۲). بررسی تاثیر حاشیه‌نشینی بر شیوع آسیب‌های اجتماعی (مورد مطالعه محله‌های خاتمیه و مهرآباد شهر ایلام)، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم (علمی- ترویجی)، ۸(۲۹)، ۱۲۱-۱۴۴.
- کیانی، ا.، سالاری سردری، ف.، بیرانوندزاده، م.، بستانی، ع. (۱۳۹۱). تحلیلی بر ساختار فضایی و توسعه افقی شهرهای منطقه سیستان. مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۳(۸)، ۷۷-۹۲.

- لالهپور، م.، سرور، ه.، سرور، ر. (۱۳۹۱). ساختار مدیریت شهری ایران با تاکید بر تحولات کالبدی شهرها. نشریه آمایش محیط. ۱۸(۵)، ۵۸-۳۵.
- محمدی دوست، س.، مرادی ریزی، م.، خانی زاده، م.ع. (۱۳۹۷). ارزیابی نقش مدیریت شهری در توانمندسازی سکونتگاه‌های فقرنشین شهری با تاکید بر خواسته‌های ساکنین. مطالعه موردی: محله زینبیه شهر اصفهان. مجله آمایش جغرافیایی فضای، ۲۹(۸)، ۱۴۷-۱۶۶.
- مختاری ملک‌آبادی، ر.، عبدالهی، ع.، صادقی، ح.ر. (۱۳۹۳). تحلیل و بازشناسی رفتارهای زیستمحیطی شهری (مطالعه موردی: شهر اصفهان، سال ۱۳۹۱)؛ فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۸(۵)، ۱-۲۰.
- مشکینی، ا.، سجادی، ژ.، دین دوست، ج. و تفکری، ا. (۱۳۹۰). ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی با شیوه توانمندسازی (نمونه موردی باقر شهر - محله بابا جعفری)، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۳۶(۳)، ۱۲۳-۱۴۸.
- مشکینی، ا.، صادقی، ی.، اکبری، م. (۱۳۹۲). امنیت سکونت، کلید ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی مورد مطالعه: حوزه کلانشهر تهران (اسلامشهر، نسیم شهر و گلستان) و کرج در استان البرز، مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، ۲۴(۲)، ۲۱۱-۲۲۲.
- میر، آ.، فتوحی، م.، یعقوبی، ک. (۱۳۸۵). بررسی اثرات مهاجرت بر محیط زیست کلانشهر تهران، همايش ملی دوسالانه انجمن متخصصان محیط زیست ایران، تهران.
- هادی‌زاده بزار، م. (۱۳۸۴). حاشیه‌نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در جهان، مشهد: آذر بزرگ.

- Abrams. C (1964). *Man's Mangin Struggle for Shelter in an Urbanizing World*. Cambridge. MA: MIT Press.
- Burges. R (1978). Petty Commodity Housing or Dweller Control? A Critique of the Tenure School. *Antipode*. (9). 50-51.
- Davis. M (2004). *planet of Slums: Urban Involution and the Informal Proletariat*. Global: New left review.
- De Soto. H (1989). *The other path: the invisible revolution in the third world*. Harpers and Row Publishers Inc: New York.
- Forbes. E (2019). Migration, informal settlement, and government response: The cases of four townships in Yangon, Myanmar, Moussons. *Recherche en Sciences Humaines sur l'Asie du Sud-Est*. (33). 95-117.
- Guillermo. A. & Santos. C (2011). Informal settlements' needs and environmental conservation in Mexico City: An unsolved challenge for land-use policy. *Land Use Policy*. 28(4). 649-662.
- Harvey. D (2003). *The New Imperialism*. Oxford: Oxford University Press.
- Jafari Sadeghi. H. M. & Asadi. S (2019). Utilizing sense of community of marginalized areas to achieve sustainable urban development (case study: Ahmedabad neighborhood in Tabriz, Iran). *Arts and Humanities Open Access Journal*. 3(2). 85-96.
- Lewis, O (1998). The Culture of Poverty. *Society*. 35 (2). 7-30
- Nassar. D. M. & Elsayed. H. G (2018). From Informal Settlements to sustainable communities. *Alexandria Engineering Journal*. 57 (4). 2367-2376.
- Mangin, W (1967). Latin American squatter settlements: a problem and a solution, *Latin American Research Review*, 2(3), 65-98.
- Putri. R. A. Siti Delima. A. & Chotib (2020). Detecting Informal Settlement Development in Penjaringan Sub-District, North Jakarta, Indonesia. *Earth and Environmental Science*. 436 (1). 1-9.
- Rakowski. C. A (1994). Convergence and divergence in the informal sector debate: A focus on Latin America, 1984-92. *World Development*, 22(4), 501-516.
- Roy. A (2005). Urban Informality: Toward an Epistemology of Planning. *Journal of the American Planning Association*. 71(2). 147-158.
- Saghaei. M. Azadeh. S. R. Fadaejazi. F. & Jafari. F (2019). The Analysis of Key Factors Influencing the Expansion of Rural Migration with Emphasis on the Issue of Informal Settlement (Case Study: Shirabad Neighborhood in Zahedan). *Journal of Research and Rural Planning*, 9(3). 15-33.
- Schwab. E (2018). *Spatial Justice and Informal Settlement (Integral Urban Projects in the Comunas of Medellin)*. Austria: Institute of Landscape Architecture, University of Natural Resources and Life Sciences.
- Stockes, C. j (1962). A Theory of Slums. *Land Economics*, 38(3) (August): 187-197.
- Taleshi. M (2009). Informal Settlement and Sustainable Urban Development Case Study: Metropolis of Mashhad in Northeastern of Iran. *Word Applied Science Journal*. 7(10).1235-1238.
- Turner, J.F.C (1977). *Housing by People*. Pantheon Books: New York.

## The role of effective factors in formation and expansion of the marginal areas (Case Study: Informal Settlement in Rasht)

**Negar Houshangi**, Department of Architecture, Professor Hesabi Branch, Islamic Azad University, Tafresh, Iran.  
**Hassan Sajadzadeh\***, Associate Professor of Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran.

**Mohammad Saeid Izadi**, Assistant Professor of Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran.

Received: 2022/9/5

Accepted: 2023/11/21

### Abstract

**Introduction:** The expansion of the informal housing phenomenon is caused by the lack of legal benefits for the city body of the weak stratum of urban society. Therefore, according to the assortment of reasons for marginalization in different cities, it seems essential to know the influential factors in the emergence and development of these areas. As one of the metropolises accepting immigrants, the population increase in Rasht has caused uneven horizontal expansion of the city. Therefore, it is essential to recognize the influential factors in forming these areas and their development to ensure citizenship rights and improve the quality of life.

**Methodology:** The criteria to be measured in connection with this subject are socio-cultural, economic, physical-legal, urban management, and environmental components. In this regard, this research, with a descriptive-analytical approach and the methods of reviewing texts, sources, and visual documents in the context of library studies and case research methods, tries to identify the influential factors in the formation and expansion of four informal settlements in Rasht, including Paskiab, Nokhodchar, Jamaran, and Eynak. Therefore, in the quantitative part, the Exploratory Factor Analysis was used to prioritize the findings after using the questionnaire tool. This method examines the internal correlation between multiple research variables and finally categorizes them in the form of more limited general factors. Also, the sample size was estimated using Cochran's formula to be 384. In the qualitative part of the research, non-participatory observation tools, images, and maps have been used.

**Results:** Based on the findings of the study, the micro-criteria of ethnicity, the level of communication of the residents of these areas with their relatives and neighbors, and the lack of social justice regarding the socio-cultural criteria are considered the most effective criteria in the formation and expansion of these areas. After that, the micro-criteria of cheap land price (housing) and low rent in connection with the economic criterion have made the most significant contribution to the formation of these areas. Finally, the implementation of improvement projects to provide public spaces and legalize construction in connection with urban management criteria, which is conceded to be the result of integrated mismanagement in Rasht, has the slightest impact on the formation and expansion of marginal areas.

**Conclusion:** Based on results, socio-cultural criteria with a third of the total variance are considered the main indicators in the emergence and expansion of informal settlements in the mentioned areas in Rasht.

**Keywords:** Informal Settlements, Marginal Areas, Immigration, Poor Housing

\* Corresponding Author's E-mail: sajadzadeh@basu.ac.ir